

نام کتاب : نماز شب یا تهجد

نام نویسنده : موسی خسروی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین عليهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

تقديم :

به شب زنده دار پایداری که جهان در پرتو ولایتش پابرجا است. تقديم به ولی الله اعظم که دعای خیرش خونی گرم در شریان عالم و آدم جاری می سازد. به شب زنده داری که شب زنده داران جهان را به نظارت نشسته است. به امید اینکه این نوشته مقبول پیشگاه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار گیرد و رهنمود و تذکاری برای شب زنده داران از ارادتمندان ائمه طاهرين (علیهم السلام) باشد.

موسی خسروی

بخش اول : اهمیت شب زنده داری و نافله شب

آیه اول در اهمیت شب زنده داری

لیسوا سواء من اهل الكتاب امة قائمه يتلون آيات الله آناء الليل و هم
یسجدون (آل عمران 113)

با اینکه در آیات قبل، خداوند از یهودیان مذمت می کند و می فرماید:
ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كانوا يكفرون بايات الله آنان پیوسته اسیر
بدبختی و ذلت شدند از اینرو که به آیات خدا کافر شده اند. و در ابتدای همین
آیه هم می فرماید: ضربت عليهم الذله اينما ثقفوا. هر جا باشند ذلت و خواری بر
سر آنان خیمه می زند.

اما در آیه بالا همین اهل کتاب را به دلیل اینکه شب زنده دارند و به تلاوت
آیات خدا و سجده بسر می برند می ستاید.

آیه دوم : تتجا في جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا و طمعا و مما
رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قرة العين جزاء بما كانوا يعملون
(سوره سجده 16 - 17)

در این آیه نیز شب زنده داری و اشتغال به دعا و استغفار در دل شب را
بهمراه انفاق مالی چنان می ستاید که در پاداش آن می فرماید: در قبال این
اعمال آنقدر خداوند برای آنها پاداش تهیه دیده که کسی نمی داند چه چیزها
است (نامحدود حتی غیر قابل پیش بینی است).

آیه سوم : در سوره دهر (آیه 26) می فرماید و الذین يبیتون لربهم سجدا و
قیاما. هم آنانکه شبها به خاطر پروردگارشان با سجود و قیام بسر می برند.

برای دعا و ارتباط با خدا وقت خاصی تعیین نشده است که در غیر آن وقت کسی نتواند با خدا ارتباط برقرار نماید و عرض نیاز کند. زیرا می فرماید: **و اذا سئلك عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان** (سوره بقره آیه 182) بندگانم اگر از من پرسیدند بگو من نزدیکم جواب می دهم دعای آنها را هر وقت که مرا بخوانند.

چنانکه ملاحظه می کنید مقید به وقت خاصی نفرموده ولی برای بعضی از اوقات مزیت های خاصی مقرر نموده، که از آن جمله بعد از نمازهای پنجگانه یومیه است. از همه این اوقات برتر و بالاتر طبق آیات قبل و آیات بسیار دیگری که در قرآن کریم هست دل شب و هنگام سحر است.

تهجد که عبارت است از بیدار خوابی، از مهمترین اعمال شایسته مؤمن بشمار می آید که مقداری از شب را به عبادت و تلاوت قرآن پردازد. آنقدر شب زنده داری اهمیت دارد که خداوند بلا را بواسطه شب زنده داران از مردم دفع می نماید.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند می فرماید: انى لا هم باهل الارض عذابا فاذا نظرت الى عمار بيتوتى و الى المتجهدين و الى المتحابين فى الله و الى المستغفرين بالاسحار صرفت عنهم⁽¹⁾

من تصمیم عذاب برای اهل زمین می گیرم اما وقتی نگاه می کنم به آباد کنندگان خانه ام و به شب زنده داران و کسانی که برای من به یکدیگر محبت می ورزند و کسانی که سحرگاهان به استغفار اشتغال دارند بلا را از آنها دفع می کنم.

کیفیت شب زنده داری و اهمیت آن را می توان از رفتار علی عَلَيْهِ السَّلَام در دل شب فهمید به این روایت توجه کنید.

ضرار بن حمزه وارد بر معاویه شد. از او تقاضا کرد که صفات علی علیه السلام را برای او بیان کند.

فقال كان والله بعيد المدى شديد القوى يقول فصلا و يحكم عدلا يتفجر العلم من جوانبه و تنطف الحكمة من نواحيه يستوحش من الدنيا و زهرتها و يستانس بالليل و وحشته كان و الله عزيز العبره طويل الفكره يقلب كفه و يخاطب نفسه و يناجي ربه يعجبه من اللباس ما خشن و من الطعام ما جشِب كان و الله كاحدنا اذا اتيناها و يجيبنا اذا ساءلناه و كنا مع دنوه منا و قربنا منه لا نكلمه لهيبته و لا نرفع اعيننا اليه لعظمته فان تبسم فعن مثل للؤلؤ المنظوم يعظم اهل الدين و يحب المساكين لا يطمع القوى في باطله و لا يياس الضعيف من عدله

ضرار گفت : علی علیه السلام آنقدر دارای شخصیت و ارزش بود که بخدا قسم نمی توان محاسن و اوصافش را تمام کرد. پرتوان، واقع سنج و عدالت گستر، چشمه های دانش سرشار از او جریان داشت حکمت فراوان از افکار و اندیشه اش می جوشید، از زرق و برق دنیا گریزان بود و دل بسته به شب زنده داری و تاریکی و وحشت شب بود. اشک فراوان می ریخت و زیاد در اندیشه بود دست خویش را به هم می مالید و با خود صحبت می کرد (نفس خود را مخاطب قرار می داد) و به مناجات با خدا می پرداخت. از لباس خشن و زبر خوشش می آمد (نه تن پرور باشد که حریر و ابریشم بپوشد) از غذای لذیذ و گوآرا گریزان بود (با تمام شخصیتی که داشت) چون یکی از ما به شمار می رفت وقتی خدمتش می رسیدیم ما را بخود نزدیک می کرد و سوأالمان را جواب می داد. با تمام قرب و نزدیکی که به او داشتیم از هیبت و جلالش یارای سخن نداشتیم و از عظمتش چشم به زمین می دوختیم لبخند که می زد مانند مروارید غلطان، دهانش به زیور دندان (مثل مروارید برشته کشیده) مشاهده می شد. به دین داران احترام

می گذاشت و مستمندان را دوست می داشت. قدرتمند در ادعای باطل خود، هرگز امید نفوذ بر علی را نداشت. ناتوان در حق خویش ماء یوس از عدالت او نبود.

اشهد بالله لقد رايته في بعض مواقفه و قد ارخى الليل سدوله و غارت نجومه و هو قائم في محرابه قابض على لحيته يتململ تململ السليم و يبكي بكاء الحزين فكانني الان اسمعه و هو يقول «يا دنيا يا دنيا ابي تعرضت ام الى تشوقت هيهات هيهات غري غيري لا حاجة لي فيك قد ابنتك ثلاثا لا رجعة لي فيها فعمرک قصير و خطرک يسيرو املك حقير آه آه من قلة الزاد و بعد السفر و وحشة الطريق و عظم المورد.

خدا را گواه می گیرم علی را در یکی از شب زنده داریهایش دیدم در حالی که تاریکی شب همه جا را گرفته بود و ستاره ها غروب کرده بودند. در محراب عبادت ایستاده بود و محاسن خود را در دست داشت، مثل مارگزیده بخود می پیچد و با تمام حزن و اندوه اشک از دیده می ریخت. گویا هم اکنون نوایش را می شنوم که می گفت: «دنیا! دنیا! متعرض من شده ای؟! مشتاق منی؟! هیهات هیهات هرگز! برو دیگری را بفریب من به تو احتیاجی ندارم ترا سه طلاقه کرده ام و دیگر مرا به ازدواج با تو برگشتی نیست! چه عمر کوتاهی داری چقدر بی ارزشی. اشتیاق به تو کم است آه آه از کمی زاد و دوری راه و وحشت سفر. و جایگاهی خطرناک (که باید به آنجا رفت).

در این موقع از دیدگان معاویه اشک جاری شد که با آستین خود پاک کرد حاضرین نیز شروع به گریه کردند ثم قال کان و الله ابوالحسن کذلک گفت واقعا ابوالحسن علی عليه السلام همینطور بود.

پرسید: ضرار چقدر علی را دوست داشتی؟ گفت به مقدار دوستی مادر موسی نسبت به موسی با این حال باز از خدا پوزش می خواهم که درباره علی علیه السلام کوتاهی کرده ام.

معاویه گفت: ضرار چگونه در فراق علی صبر کرده ای؟ گفت چون آن مادری که فرزندش را بر روی سینه اش بکشند که هرگز اشکش خشک نمی شود و آتش سینه اش از التهاب نمی افتد و خاموش نمی شود. ضرار از جا حرکت کرد و در حال گریه خارج شد. معاویه روی به حاضرین نموده گفت اگر شما مرا از دست بدهید یک نفر میان شما نیست که این چنین ثناگویم باشد.

فقال له بعض من كان حاضرا على قدر صاحبه یکی از حاضران گفت: قدر و ارزش نهادن هر دوستی به دوستش به مقدار ارزش اوست. ⁽²⁾

در سفینه البحار یک جریان دیگر از نوف نقل می کند که بسیار آموزنده و مهم است.

حبه عرنی گفت من و نوف ⁽³⁾ در داخل حیاط خوابیده بودیم. در دل شب هنگام سحر چشممان افتاد به امیر المؤمنین که دست خویش را بر روی دیوار گذاشته چون انسان حیران و سرگردانی این آیه را تلاوت می کند: ان فی خلق السموات و الارض... و چون شیدای سرگردان به تلاوت ادامه می دهد. در این موقع به من گفت: حبه! بیداری یا خواب گفتم بیدارم، اما در این اندیشه هستم که شما اینطور رفتار می کنی ما چه کنیم؟ اشکهای امیر المومنین مثل ابر بهار ریخت و گفت:

ان لله موقفا و لنا بین یدیه موقفا لا یخفی علی شی من اعمالنا یا حبه! ان الله اقرب الیک من حبل الوریث یا حبه لا یحجبنی و ایاک عن الله شی.

در آینده خداوند برای حساب جهانیان اقدام خواهد کرد و ما در مقابلش باید بایستیم. ذره ای از اعمال ما بر او پنهان نیست. حبه! خدا به تو از رگ گردنت نزدیکتر است حبه! لحظه ای نیست که من و تو از نظر خدا پنهان باشیم و چیزی نیست که من و تو را از نظر او پنهان دارد.

بعد متوجه نوف شد و فرمود: نوف! تو خوابیده ای گفت: نه آقا امیر المومنین! امشب از مشاهده حال شما اشک فراوان ریختم. فرمود: نوف! اگر امشب از خوف خدا زیاد گریه کرده ای بدان که فردا خوشحال خواهی شد وقتی قیامت مقابل پروردگارت بایستی!

یا نوف انه لیس من قطرة قطرت من عین رجل من خشية الله الا اطفاءت بحارا من النیران. انه لیس من رجل، اعظم منزلة عند الله من رجل بکی من خشية الله و احب فی الله و ابغض فی الله یا نوف من احب فی الله یستأثر علی محبته و من ابغض فی الله لم ینل ببغضه خیرا عند ذلک استکملتم حقایق الایمان.

فرمود: نوف! هیچ فردی دانه ای اشک از خوف خدا نمی ریزد مگر اینکه دریاهایی از آتش را با آن اشک خاموش می کند عزیزترین فرد نزد خداوند کسی است که از خوف خدا می گرید و دوستی اش در راه خداست و دشمنی اش در راه اوست. نوف هر کسی که دوستی خود را در راه خدا قرار دهد چیزی را بر او مقدم نمی دارد و هر که بغض و خشم خود را فقط برای خدا داشته باشد هرگز خشم به کار خوب نخواهد گرفت در چنین شرایطی ایمان خود را به کمال می رسانید. شروع به پند و اندرز آنها نمود و در آخر فرمود از خدا بپرهیزید من شما را پند دادم. آنگاه براه خود ادامه داد در حالی که می گفت:

لیت شعری فی غفلاتی امعرض انت عنی ام ناظر الی و لیت شعری فی طول
منامی و قلة شکری فی نعمک علی ما حالی؟ قال فو الله ما زال فی هذا الحال
حتى طلعت الفجر (4)

کاش می دانستم آیا هنگام غفلتم چشم عنایت از من گرفته ای یا هنوز به من
عنایت داری. کاش می دانستم با این خوابهای طولانی که دارم و کمی شکر در
مقابل نعمتهایت چه حالی در نظر تو دارم؟!!

حبه گفت : و الله پیوسته همین حال را داشت تا فجر طلوع کرد (هنگام اذان
صبح شد)

علی آن شیر خدا شاه عرب	الفتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است	دل شب محرم سر الله است
شب شنیده است مناجات علی	جوشش چشمه عشق ازلی
نغمه هایش چو در آویزه گوش	مسجد کوفه هنوزش مدهوش
فجر تا سینه آفاق شکافت	چشم بیدار علی خفته نیافت
ناشناسی که به تاریکی شب	می برد شام یتیمان عرب
پادشاهی که به شب برقع پوش	می کشد بار گدایان بر دوش
شاهبازی که به بال و پر باز	می کند در ابدیت پرواز
عشقبازی که هم آغوش خطر	خفته در جایگه پیغمبر (ﷺ)

منتخب از شهریار

از مزایای شب زنده داری صحت و سلامت بدن است.

بلال گفت رسول خدا ﷺ فرمود: علیکم بقیام اللیل فانه داء الصالحین
قبلکم و ان قیام اللیل قربة الی الله و منهاء عن الاثم و تکفیر السيئات و مطردة
الداء عن الجسد. (5)

شب زنده دار باشید که شب زنده داری راه و روش پیشینیان صالح است و موجب تقرب به خدا و باز دارنده از گناه و برطرف کننده خطایا است و بیماری را از بدن دور می کند.

امیر المومنین علیه السلام می فرماید: قیام اللیل مصحة للبدن و مرضاة للرب عزوجل و تعرض للرحمة و تمسک باخلاق النبیین. ⁽⁶⁾

شب زنده داری موجب صحت و سلامتی بدن و خشنودی خدا است و در مسیر رحمت خدا قرار گرفتن و چنگ به اخلاق پیامبران زدن است.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: علیکم بصلوة اللیل فانها سنة بینکم و داءب الصالحین قبلکم و مطردة الداء عن اجسادکم.

نماز شب بخوانید که سنت پیامبر است و روش صالحین پیشین و برطرف کننده بیماریهای بدن است.

سه نفر اگر در شهری شب زنده دار باشند خداوند بلا را از آن شهر برمی گرداند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خداوند تبارک و تعالی وقتی اهل شهری را ببیند در معصیت غرقند ولی در آن شهر سه نفر مومن است، خطاب به اهالی شهر می نماید: یا اهل معصیتی لولا فیکم من المومنین المتحابین بجلالی العامرین ارضی و مساجدی و المستغفرین بالاسحار خوفا منی لا تزلت بکم عذابی ثم لا ابالی ⁽⁷⁾

ای معصیت کاران! اگر نبودند میان شما آن مومنانی که به مهر و محبت رفتار می کنند و آنها که با نماز خود این سرزمین و مساجد را آباد نموده اند و آنها که در دل شب و سحرگاه از خوف من به استغفار می پردازند، عذاب بر شما نازل می کردم و باکی نداشتم.

بالاخره پیامبر اکرم می فرماید اشراف امتی حملة القرآن و اصحاب اللیل ⁽⁸⁾

برجستگان امت من همراهان قرآن و شب زنده دارانند و فرمود: شرف المومن صلوته باللیل و غره کف الاذی عن الناس⁽⁹⁾

شرف مومن، نماز شب خواندن او است و عزتش خودداری از آزار مردم می باشد.

جبرئیل خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسید گفت: یا محمد عش ما شئت فانک میت و احبب من شئت فانک مفارقه و اعمل ما شئت فانک مجزی به و اعلم ان شرف الرجل قیامه باللیل و عزه استغنائه عن الناس⁽¹⁰⁾

ای محمد! هر گونه که مایلی زندگی کن بالاخره خواهی مرد. و هر که را مایلی دوست بدار بالاخره از او جدا خواهی شد و هر کار مایلی بکن اما بدان که پاداشش را خواهی دید.

بدان! که شرف و شخصیت مرد به شب زنده داری او و عزتش به بی نیازی از مردم می باشد.

اذا تخلی العبد فی جوف اللیل المظلم و ناجاه اثبت الله النور فی قلبه فاذا قال یا رب! یا رب! ناداه الجلیل جل جلاله: لیبیک عبدی سلنی اعطک و توکل علی اکفک ثم یقول جل جلاله لملائکته: انظروا الی عبدی فقد تخلی فی جوف هذا اللیل المظلم و البطالون لاهون و الغافلون نیام اشهدوا انی قد غفرت له⁽¹¹⁾

وقتی بنده در دل شب تار، با خدای خود خلوت می کند و به مناجات می پردازد خداوند نور در دلش جایگزین می فرماید وقتی می گوید: یا رب یا رب! خداوند جلیل می فرماید: آری بنده من. بخواه تا به تو بدهم. اعتماد بر من کن تا کارت را کفایت کنم. بعد به ملائکه می فرماید: ملائکه من! نگاه کنید به این بنده ام چگونه در دل شب تاریک با من خلوت نموده با اینکه تبهکاران به لُهو و لعب پرداخته اند و غافلان در خوابند. شما گواه باشید من او را آمرزیدم.

آری باید گفت شب زنده داران شیفتگان و دلباختگان پروردگارانند که از خلوت شب کمال استفاده را نموده و با خدای خود به خلوت نشستند و ملاحظه کنید خداوند به موسی بن عمران چه می فرماید.

مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود از مناجاتهای خدا با موسی بن عمران این بود که به او فرمود:

یابن عمران کذب من زعم انه یحبنى فاذا جنة اللیل نام عنی الیس کل حیب یحب خلوت حبیبه؟ ها انا ذا یابن عمران؟ مطلع علی احبائی اذا جهنم اللیل حولت ابصار هم فی قلوبهم و مثلت عقوبتی بین اعینهم. یخاطبونی عن المشاهدة و یکلمونی عن الحضور یابن عمران! هب لی من قلبک الخشوع و من بذلک الخضوع و من یمینک الدموع فی ظلم اللیل و ادعنی فانک تجدنی قریبا مجیبا (12)

پسر عمران! دروغ گفته، کسی که مدعی است، مرا دوست دارد اما در تاریکی شب بخواب می رود (و از من فراموش می کند) مگر هر دلباخته ای دوست ندارد با محبوب خویش خلوت کند. اینک ای پسر عمران! من متوجه دوستانم هستم در تاریکی شب که با دیده دل چشم به من دوخته اند و عقوبت کیفرم در مقابل دیده هایشان مجسم شده، چنان با من به صحبت می پردازد مثل اینکه مرا می بیند و سخن با کسی می گوید که در حضورش ایستاده اند.

ای پسر عمران! به من ببخش خشوع دل و خضوع بدن خویش را و اشک دیدگانت را آنگاه دعا کن خواهی دید بتو نزدیکم و جوابت را می دهم.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد در بام دوست پرواز کنند
هر جا که دری بود به شب بر بندند الا در دوست را که شب باز کنند

عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال مازال جبرئیل یوصینی بقیام اللیل حتی ظننت ان خیار

امتی لن یناموا. (13)

پیامبر اکرم فرمود: آنقدر جبرئیل مرا سفارش به شب زنده داری کرد که گمان کردم برجستگان امتم شب را نخواهند خوابید.

در اهمیت شب زنده داری امام صادق می فرماید:

الشتاء ربيع المومن. يطول فيه ليلة فيستعين به على قيامه و يقصر فيه نهاره فيستعين به على صيامه. (14)

زمستان بهار مومن است زیرا شب هایش بلند است از بلندی شب برای شب زنده داری و از کوتاهی روزهایش برای روزه گرفتن کمک می گیرد.

توجه کنید به سفارشی که مادر حضرت سلیمان به فرزندش می نماید. مادرها باید دقت داشته باشند چنین توصیه ها به فرزندان خود بنمایند.

قال رسول الله ﷺ قالت ام سليمان بن داود يا بني اياك و كثرة النوم بالليل فان كثرة النوم بالليل تدع الرجل فقيرا يوم القيامة (15)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مادر سلیمان بن داود به فرزند خود گفت: پسر من! از زیاد خوابیدن در شب پرهیز زیرا خواب زیاد در شب انسان را روز قیامت فقیر و تهیدست می کند.

اهمیت نماز شب از دیدگاه قرآن

با اینکه آیات متعددی در اهمیت نافله شب در قرآن کریم آمده است اما جهت اختصار به دو آیه اکتفا می کنیم.

آیه اول:

و من الليل فتتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاما محمودا (سوره اسری آیه 79)

آیه دوم: ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذين معك و الله يقدر الليل و النهار... (سوره مزمل آیه 20)

در آیه اول خداوند «مقام محمود» که تفسیر به مقام شفاعت شده محصول نافله شب پیامبر می شمارد و آینده ای این چنین با ارزش را برای نافله شب بیان می کند. می فرماید: مقداری از شب را به بیداری بگذران در حالی که به نافله پرداخته ای امید است پروردگارت به تو مقام محمود عنایت کند.

در آیه دوم: نافله شب را بر پیامبر ﷺ واجب می کند می فرماید: یا ایها المزمّل قم اللیل الا قلیلا. ای گلیم به خود پیچیده! شب را به پاخیز مگر مقدار کمی.

قطب راوندی در فقه القرآن معتقد است که این آیه وجوب نماز شب را بر پیامبر مسلم می کند. که امام صادق علیه السلام به این وجوب تصریح دارد عمار ساباطی گفت ما در منی خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم یک نفر از حاضران پرسید شما درباره نافله چه می فرمایید؟ فرمود: واجب است (از شنیدن این جواب هم ما و هم سوال کننده تعجب کردیم) امام که متوجه وحشت و تعجب ما بود فرمود منظورم نماز شب است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است خداوند در این آیه می فرماید:

و من اللیل فتهجد به نافله لک

بعضی از علما می گویند از باب تاءسی به پیامبر صلی الله علیه و آله بر مومنین نیز واجب بوده ولی آیه سوره اسری «نافله لک» که خطاب به شخص پیامبر می نماید مومنین را از حکم وجوب خارج می کند.

بالاخره از آیات قبل مخصوصا آیه سوره مزمل استفاده می شود که گروهی از مومنین به شب زنده داری اهتمام داشته اند که می فرماید:

ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفه من الذین معک.

پروردگارت می داند تو و گروهی از کسانی که با تو هستند نزدیک دو ثلث از شب یا نصف و یا ثلث شب را به پا می خیزند.

بر عشرت سلمان چه خوری حسرت و راهش بپذیر و تو خود بوذر ان دگر باش گرچه ما از جهت تشویق، پیوسته رفتار و کردار پاک مردان صدر اسلام را به عنوان الگو یاد می کنیم، اما بالاخره در این میان ما خود چه کرده ایم و چه باید بکنیم.

نماز شب بسیار با اهمیت و کارساز است، غفلت از آن همراه با یک محرومیت غیر قابل جبران خواهد بود: غوغای زندگی روزانه از جهات مختلف انسان را به خود جلب می کند و فکر آدمی را به وادیهای گوناگون می کشاند که جمعیت خاطر حضور قلب کامل در آن بسیار مشکل است اما در دل شب به هنگام سحر و فرو نشستن غوغای زندگی مادی و آرامش روح و جسم انسان در پرتو مقداری خواب، حالت توجه و نشاط خاصی به انسان دست می دهد که بی نظیر است.

آری در این محیط آرام دور از هرگونه ریا و تظاهر و خودنمایی تواءم با حضور قلب حالت توجهی به انسان دست می دهد که فوق العاده روح پرور و تکامل آفرین است.

به همین دلیل دوستان خدا همیشه از عبادتهای آخر شب برای تصفیه روح و حیات قلب و تقویت اراده و تکمیل اخلاص نیرو می گرفته اند در آغاز اسلام نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از همین برنامه روحانی مسلمانان را پرورش داد و شخصیت آنها را آنقدر بالا برد که گویی آن انسان سابق نیستند، از آنها انسان تازه ای آفرید. مصمم، شجاع، با ایمان، پاک، با اخلاص و شاید مقام محمود که در آیات قبلی به عنوان نتیجه نافله شب آمده است اشاره به همین حقیقت باشد این عبادت تأثیر فوق العاده ای در صفای روح و تهذیب نفس و تربیت معنوی

انسان و پاکی قلب و بیداری دل و تقویت ایمان و اراده و تحکیم پایه های تقوی در دل و جان دارد که حتی با یک مرتبه آزمایش انسان آثار آن را به روشنی در خود احساس می کند. (16)

با اینکه نماز شب از نمازهای مستحبی است ولی کرارا در قرآن مجید به آن اشاره شده، این نشانه اهمیت فوق العاده آن است تا اینجا که قرآن آن را وسیله وصول به مقام محمود و مایه روشنی چشم شمرده است. در روایات اسلامی نیز فوق العاده روی این نوع راز و نیاز شبانه و بیداری در سحر گاهان تکیه شده است.

در یک جا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را کفاره گناهان می شمرد و می فرماید: یا علی ثلاث کفارات منها التهجد باللیل و الناس نیام. سه چیز موجب کفاره گناهان است که یکی از آنها شب زنده داری است در حالی که مردم خوابند.

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه کانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون چنین نقل شده کانوا اقل اللیالی تفوتهم لا یقومون منها کمتر شبی بر آنها می گذشت که بیدار نشوند و عبادت نکنند.

باز در حدیث دیگری آمده که پیامبر می فرماید: الرکعتان فی جوف اللیل احب الی من الدنیا و ما فیها. (17)

دو رکعت در دل شب محبوبتر است نزد من از دنیا و آنچه در دنیا است. بالاخره در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می بینیم که به سلیمان دیلمی (یکی از یارانش) می فرماید: لا تدع قیام اللیل فان المغبون من حرم من قیام اللیل. مبادا شب زنده داری را رها کنی زیرا زیانکار کسی است که از شب زنده داری محروم باشد.

در واقع باید گفت: زندگی بدون شب زنده داری پوچ و بی مایه و بی نمک است. دل دادن به خدا در دل شب آنچنان لطیف و پرمایه و لذت بخش است که می توان گفت «یدرک و لا یوصف» نمی توان گفت چگونه است، باید خود شب زنده دار باشی تا بفهمی چقدر عالی و عظیم است.

در داستان زندگی امام حسین علیه السلام پیشتاز میدان جان بازی می خوانید که در عصر تاسوعا سپاه عمر سعد عازم حمله شده بود امام حسین علیه السلام برادرش ابوالفضل را فرستاد تا از عمر سعد آن شب را مهلت بخواهد تا به شب زنده داری مشغول شوند. فرمود خدا می داند من به نماز و قرآن علاقه دارم، امشب از قرآن و نماز وداع کنم.

سید بن طاووس در لهوف می نویسد: و لهم دوی کدوی النحل ما بین راکع و ساجد و قائم آن شب چنان زمزمه ای از خیمه های امام بلند بود همانند لانه زنبوران. یکی در رکوع، دیگری در سجده و یکی در حال قیام! فضای کربلا را چنان عطر آگین کرده بودند که گروهی از سپاه عمر سعد از همین زمزمه ها بخود آمدند و به امام حسین علیه السلام پیوستند.

آنها که توفیق رفیق ایشان گردیده قدر ساعات شب را بیشتر بدانند به همین مناسبت چند روایت را تذکر می دهیم.

1. عن بحر السقاء قال سمعت الصادق علیه السلام يقول ان من روح الله تعالى ثلثه التهجد باللیل و افطار الصائم و لقاء الاخوان ⁽¹⁸⁾

سه چیز از نسیم های روح افزای خداوند برای مومنین است: نافله شب، افطار به روزه داران و دید و بازدید از برادران (دینی) که این سه چیز از عنایات خاص خدا است به مومن.

2. ابن عباس می گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم.

هر که به شب زنده داری بپردازد با اخلاص وضویی بگیرد و به نماز بایستد با نیت صادق و قلب سلیم و بدن خاشع و چشم گریان. خداوند پشت سر او نه صف از ملائکه را قرار می دهد که در هر صف آنقدر فرشته است که جز خداوند عدد آنها را نمی داند. یک طرف صف در مشرق و طرف دیگر در مغرب است وقتی از نماز فارغ شد به تعداد تمام فرشته ها به او درجات خیر می دهند.⁽¹⁹⁾

روایت سوم: امام صادق علیه السلام می فرماید: صلوة اللیل کفاره لما اجترح بالنهار. نماز شب کفاره گناهان روز است.⁽²⁰⁾

روایت چهارم: عن النبی صلوه اللیل سراج لصاحبها فی ظلمة القبر. نماز شب چراغ روشنی بخش تاریکی قبر است.

روایت پنجم: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: صلوه اللیل مرضاه الرب و حب الملائکه و سنه الانبیاء و نور المعرفه و اصل الايمان و راحه الابدان و کراهیه الشیطان و سلاح علی الاعداء و اجابه الدعاء و قبول الاعمال و برکه فی الرزق و شفیع بین صاحبها و بین ملک الموت و سراج فی قبره و فراش تحت جنبه و جواب منکر و نکیر و مونس و زائر فی قبره الی یوم القیامه. فاذا کان یوم القیامه كانت الصلوة ظلا فوقه و تاجا علی رءسه و لباسا علی بدنه و نورا یسعی بینه و بین النار و حجة للمومن بین یدی الله و ثقلا فی المیزان و جوازا علی الصراط و مفتاح الجنة لان الصلوة تکبیر و تحمید و تمجید و تقدیس و قرائه و دعا و ان افضل الاعمال کلها الصلوة لوقتها⁽²¹⁾

فرمود نماز شب سبب خشنودی خدا و محبت ملائکه و سنت انبیا است. نماز شب نور معرفت و ریشه ایمان و موجب آسایش بدنها است نماز شب موجب ناراحتی شیطان و اسلحه برای دفع دشمنان و موجب اجابت دعا و قبولی اعمال

است. نماز شب روزی را افزایش می دهد و واسطه است بین نمازگزار و ملک الموت و چراغ روشنی بخش قبر است.

نماز شب چون بستر گرم و نرمی در قبر بوده و پاسخی است برای منکر و نکیر و مونس انسان و زائر و خبر گیرنده است در قبر تا روز قیامت. وقتی روز قیامت می شود نماز شب سایبانی بر سر اوست و تاجی بر سرش و لباسی بر تنش و نوری است که در مقابلش روشن است و پرده ای است که فاصله می اندازد بین او و آتش جهنم و حجت مومن است در پیشگاه پروردگار و موجب سنگینی ترازوی عمل و عبور از صراط و کلیدی برای بهشت است این همه به دلیل اینست که نماز مشتمل بر تکبیر، تحمید، تسبیح، تقدیس و قرآن و دعا می باشد. در پایان فرمایش خود فرمود: بهترین اعمال، خواندن نماز در وقت آن می باشد.

روایت ششم: سمعت الصادق عليه السلام يقول ثلاثة فخر المومن و زينته في الدنيا و الاخره الصلوه في آخر الليل و ياءسه عما في ايدي الناس و ولايه الامام من آل محمد عليهم السلام. (22)

سه چیز در دنیا و آخرت مومن و زینت اوست. اول نماز در آخر شب. دوم نا امیدی از امکانات مردم و سوم ولایت نسبت به امام از آل محمد عليهم السلام.

روایت هفتم: عن ابي عبدالله عليه السلام قال ما من عمل يعمله العبد الا و له ثواب في القرآن الا صلوه الليل فان الله لم يبين ثوابها لعظم خطرها عنده فقال: تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما اخفى لهم من قره اعين جزاء بما كانوا يعملون (23)

فرمود: هیچ عملی نیست که بنده انجام دهد مگر اینکه خداوند در قرآن ثوابی برای آن بیان کرده جز نماز شب که ثوابی برای آن مشخص نکرده بواسطه ارزش زیادی که نزد خداوند عزیز داشته لذا در این آیه می فرماید: از بسترهای گرم حرکت می کنند و از روی بیم و امید به دعا می پردازند و از امکانات خود انفاق می کنند هیچ کسی نمی داند خداوند چه چیزها برای آنها پنهان کرده که موجب روشنی چشم ایشان می شود، به پاداش اعمالی که انجام می دهند.

روایت هشتم: اباذر در کنار خانه خدا موعظه می کرد، ضمن موعظ خود گفت: و صل رکعتین فس سواد الليل لوحشة القبور⁽²⁴⁾

دو رکعت نماز شب بخوان برای برطرف شدن وحشت قبر.

روایت نهم: عن جعفر بن محمد عليه السلام قال المال و البنون زينة الحياة الدنيا و ثمان ركعات من آخر الليل و الوتر و زينة الاخرة و قد يجمعها الله لا قوام⁽²⁵⁾ امام صادق عليه السلام فرمود مال و فرزند زینت دنیا است هشت رکعت نماز آخر شب (و سه رکعت) وتر زینت آخرت است گاهی خداوند برای بعضی از مومنین جمع بین هر دو زینت می کند.

روایت دهم: عن ابی جعفر عليه السلام قال لهو المومن فی ثلاثة اشياء التمتع بالنساء و مفاکة الاخوان و الصلوة باللیل.

امام باقر عليه السلام فرمود سرگرمی مومن در سه چیز است 1. بهره بردن از مسائل جنسی با همسر خود 2. شوخی و مزاح با دوستان 3. و نماز شب.

علامه مجلسی (رضوان الله علیه) ذیل خبر می نویسد: امام نماز شب را جزء سرگرمیهای مومن نام برده و با تمتع از زنان و مزاح با دوستان در یک ردیف قرار داده است برای توجه دادن باینکه مومن از مناجات با خدا و دل بستن به او در شبهای تاریک لذت می برد.

روایت یازدهم : اینک ببینید ترک نماز شب چگونه است :

مردی به امیر المومنین علیه السلام گفت : یا امیر المومنین انی قد حرمت الصلوه باللیل، فقال امیر المومنین علیه السلام انت رجل قد قیدتک ذنبک ⁽²⁶⁾

من از خواندن نماز شب محروم فرمود تو شخصی هستی که گناهان مهارت نموده اند.

روایت دوازدهم : قال رسول الله صلی الله علیه و آله من صلی باللیل حسن وجهه بالنهار هر که نماز در شب بخواند چهره اش در روز زیبا می شود (نماز شب چهره انسان را نورانی و زیبا می نماید) از زین العابدین علیه السلام پرسیدند ما بال المتجهدين من احسن الناس وجها قال انهم خلوا بریهم فکساهم الله نوره ⁽²⁷⁾

از زین العابدین علیه السلام سوال کردند: چرا شب زنده داران زیباترین چهره را دارند. فرمود آنها (به شب) با خدای خود خلوت می کنند از نور خویش چهره آنان را منور می کند.

روایت سیزدهم : ان العبد لیقوم فی اللیل فیمیل به النعاس یمینا و شمالا و قد وقع ذقنه علی صدره فیامر الله تبارک و تعالی ابواب السماء تفتح ثم یقول لملائکته انظروا الی عبدی ما یصیبه فی التقرب الی بمالم افرض علیه راجیا منه ثلاث خصال : ذنبا اغفره او توبه اجددها او رزقا ازیده فیه اشهدکم انی قد جمعتهن له ⁽²⁸⁾

مومنی که برای نماز شب بیدار می شود گاه به دلیل خواب آلودگی تعادل نداشته و به طرف راست و چپ خم می شود، خداوند به ملائکه می فرماید درهای آسمان را بگشایند بعد می فرماید تماشا کنید بنده مرا در راه تقرب به من چه خستگی را تحمل می کند برای نمازی که بر او واجب نکرده ام به امید اینکه سه چیز نصیبش شود. گنااهش را ببخشم یا توبه مجددی بر او بنمایم یا

روزیش را فراوان نمایم. ملائکه من! شما را گواه می گیرم من هر سه را به او می دهم.

روایت چهاردهم: عن انس بن مالك قال سمعت رسول الله ﷺ يقول
الركعتان في جوف الليل احب الى من الدنيا و ما فيها (29)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود دو رکعت نماز در دل شب نزد من محبوبتر است، از دنیا و هر چه در آن است.

روایت پانزدهم: دیگر از مزایای نماز شب در بیان امام صادق عليه السلام فراوانی روزی است.

از ثواب الاعمال صدوق (رضوان الله عليه) نقل می شود خدمت امام صادق عليه السلام رسید و از فقر و تنگدستی شکایت کرد بطوری که حکایت از گرسنگی در همان حال می نمود. امام به او فرمود نماز شب می خوانی؟ گفت: بلی. امام روی به حاضرین نموده فرمود: کذب من زعم انه يصلی باللیل و یجوع بالنهار ان الله عزوجل ضمن بصلاة اللیل قوت النهار. (30)

دروغ می گوید کسی که مدعی است نماز شب می خواند ولی در روز گرسنه است زیرا خداوند برای نماز شب خوانان ضامن روزی شده است.

معاویه بن عمار از امام صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود صلوة اللیل تحسن الوجه و تحسن الخلق و تطیب الريح و تدر الرزق و تقضى الدين و تذهب بالهم و تجلوا البصر

نماز شب انسان را زیبا و خوش اخلاق و خوشبو می نماید و موجب افزایش روزی و ادای قرض و از بین رفتن رنج و ناراحتی می شود.

روایت شانزدهم: خانه ای که در آن نماز شب خوانده می شود برای آسمان نشینان چون ستاره می درخشد.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال ان البيوت التي يصلى فيها بالليل بتلاوة القرآن تضى لاهل السماء كما يضى نجوم السما لاهل الارض ⁽³¹⁾

امام صادق علیه السلام فرمود خانه هایی که در آنها نماز شب با تلاوت قرآن به پا داشته می شود برای اهل آسمان چنان می درخشد که ستاره ها برای اهل زمین. روایت هفدهم: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: لا تدع قيام الليل فان المغبون من حرم قيام الليل. از شب زنده داری دست برمدار. مغبون کسی است که از شب زنده داری و عبادت در شب محروم گردد. ⁽³²⁾

روایت هجدهم: محرومیت از نماز شب گاهی بواسطه گناه در روز می باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: ان الرجل ليكذب الكذبة و يحرم بها صلوة الليل فاذا حرم بها صلوة الليل حرم بها الرزق ⁽³³⁾

شخص گاهی دروغی می گوید و موجب محرومیت از نماز شب می گردد. هنگامی که از نماز شب محروم شد از روزی (و مواهب مادی و معنوی) نیز محروم می گردد.

روایت نوزدهم: با اینکه می دانیم کسی همچون علی علیه السلام هرگز ترک نماز شب نمی کرد، در عین حال اهمیت موضوع تا آن پایه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصایایش به او تاکید و چنین می گوید

اوصيك في نفسي بخصال فاحفظها ثم قال اللهم عنه..... و عليك بصلوة الليل و عليك بصلوة الليل. ⁽³⁴⁾

تو را به اموری سفارش می کنم، همه را حفظ کن سپس فرمود خداوندا او را بر انجام این امور مدد فرما.. تا آنجا که فرمود بر تو باد نماز شب، بر تو باد نماز شب، بر تو باد نماز شب ⁽³⁵⁾

روایت بیستم : پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خیرکم من اطاب الکلام و اطعم الطعام
و صلی باللیل و الناس نیام (36)

بهترین شما کسی است که در سخن گفتن مودب است و گرسنگان را سیر می
کند (سفره گسترده دارد و مهمان نواز است) و به نماز شب می پردازد موقعی که
مردم در خوابند.

بخش دوم : شب زنده داران در تاریخ

در این مورد ابتدا به سراغ علی مرتضی و فاطمه زهرا می رویم هنگام هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه در بین راه پیوسته علی و فاطمه زهرا به شب زنده داری و عبادت می پرداختند، که این آیه به رسول الله ﷺ نازل شد و حال آنها را برای پیامبر اکرم گزارش می کرد.

الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر و انثی.

خداوند می فرماید دعای شما را مستجاب کردیم، من عمل هیچکدام از مرد و زن شما را ضایع نمی کنم. در تفسیر آیه چنین آمده : منظور از مرد در این آیه علی علیه السلام و از زن فاطمه زهرا علیها السلام می باشد ⁽³⁷⁾.

اسما از شب ازدواج می گوید: امیر المومنین از فاطمه زهرا اجازه خواست تا به جهت شکر پروردگار به نماز و ذکر و دعا مشغول شود. فاطمه زهرا علیها السلام اجازه داد و خود نیز مشغول به نماز شد، در مورد احیا و شب زنده داری آن شب عروس و داماد این آیه نازل شد.

تتجا فی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ینفقون ⁽³⁸⁾

شب هنگام از بستر گرم به پا می خیزند و دست نیاز و دعا به سوی خدا دراز می کنند از بیم و امید. و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. به همین جهت وقتی صبحگاه رسول خدا ﷺ برای خبرگیری از عروس و داماد به خانه آنها آمد پس از انجام مراسمی که در تاریخ ثبت شده ⁽³⁹⁾ از علی

عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید «کیف وجدت اهلک» علی جان! زنت چگونه زنی بود قال نعم العون علی طاعة الله عجب همکار و کمکی است برای طاعت خدا. از زهرای مرضیه پرسید: دخترم! شوهرت چگونه شوهری است «قالت خیر بعل» گفت پدر جان! بهترین شوهر است. در همان شب اول علی عَلَيْهِ السَّلَامُ متوجه شد همسرش زهرا علاوه بر شایستگی برای مادر بودن، همکار خوبی است در راه اطاعت خدا و شب زنده داری.

اینک به سراغ دختر ارجمندش زینب کبری برویم.

در شب یازدهم عاشورا که تاریخ تاریکتر از آن شب و جانسوزتر از آن ماتم را بر صفحه روزگار قم نزده، می بینیم زینب کبری با تمام رنج و مرارت و غم و اندوه، به نافله شب می پردازد. (40)

در معالی السبطين می نویسد: آخرین سخنی که امام حسین به زینب کبری خواهر عزیز و دلبنده خود گفت این بود «لا تنسینی فی صلوة اللیل» مرا در نمازهای شبت فراموش نکن. آری چون نماز شبی مانند زینب کسی نخوانده و ندیده چرا که او در حالی به شب زنده داری در راه کوفه و شام می پرداخت که سر برادرش روی نیزه مقابل چشمش بود.

مؤلف کتاب «زینب الکبری» می نویسد: شبی آقا زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ متوجه شد عمه اش نماز شب را نشسته می خواند پرسید چه شده عمه، شاید خدای ناکرده بیماری؟ گفت نه عمه جان اینها به هر نفر دو گرده نان بیشتر نمی دهند من چند روز است نان خود را به بچه های کوچک داده ام، توان ایستادن ندارم. در همان کتاب می نویسد: یکی از دانشمندان می گفت خدایا من تمام خدمات خود را به زینب کبری عَلَيْهِ السَّلَامُ تقدیم می کنم در مقابل، ایشان ثواب دو رکعت از نمازهای نافله شب بین راه کوفه و شام خود را به من ببخشند. اما

صاحب کتاب می نویسد خیلی فرق است بین تمام خدمات شما در طول عمر و دو رکعت نماز زینب کبری در دل شبهای تار اسارت.

آخر او از پدرش شنیده بود که درباره پیامبر ﷺ فرموده است.

لقد قام رسول الله عشر سنين على اطراف اصابع رجله حتى تورمت قدماه و اصفر وجهه بقيام الليل اجمع. (41)

پیامبر اکرم ده سال ایستاده به شب زنده داری پرداخت تا آنجا که قدمهایش ورم کرد و چهره اش زرد شد. بهمین جهت حتی در شب یازدهم عاشورا ترک قیام اللیل را نکرد.

مشو غافل دلا از رحمت شب	که رحمتها بود در خلوت شب
صفای شب بسی برتر ز روز است	که شب را شمع عشقی دل فروز است
خصوصا آن نماز شب که هر شب	در آن راز و نیازی هست یا رب
نماز شب بدرگاه یگانه	بود راز و نیازی عاشقانه
شنیدستی که زینب فخر نسوان	پس از عاشورا در شام غریبان
چو شبهای دگر در محضر رب	همی خواندی نماز شب در دل شب
تو گویی در دل زینب غمی نیست	غم و اندوه و درد و ماتمی نیست
که خوشدل معنی ایمان چنین است	چنین آیین جانبازان دین است

(از شاعر توانا خوشدل)

نگهبان سپاه فرصت می جوید و به نماز شب می پردازد

این اثر در کامل التواریخ می نویسد: پیامبر اکرم در غزوه ذات الرقاع با مشرکین روبرو شد ولی جنگی پیش نیامد در همین جنگ دستور نماز خوف رسید. مسلمانان در این جنگ زنی را از کفار به اسارت گرفتند که شوهرش حضور نداشت.

شوهر او بعد از مراجعت متوجه شد که سپاه اسلام زنش را به اسارت برده اند سوگند خورد که تا انتقام نگیرد مسلمانان را رها نکند. بدنبال سپاه اسلام راه آنها را از پیش گرفت.

در بین راه سپاه به استراحت پرداخت پیامبر اکرم فرمود امشب چه کس پاسداری می دهد یک نفر از مهاجرین و یکی از انصار داوطلب شدند. آندو جلو دره به نگهبانی مشغول شدند. پاسدار مهاجر به استراحت و خواب پرداخت. پاسدار انصاری که به پاس دادن مشغول بود از فرصت استفاده کرد و به نماز ایستاد.

در همین موقع شوهر آن زن اسیر رسید. یک نفر را به پا ایستاده دید با تیری او را هدف قرار داد که تیر به پاسدار انصاری اصابت کرد، اما تیر را از بدن کشید و به ادامه نماز پرداخت. مهاجم با تیر دوم او را هدف قرار داد، آن تیر نیز کارگر شد. باز تیر را کشید و به نماز ادامه داد. بالاخره تیر سوم را رها کرد این تیر نیز به هدف رسید انصاری آن را کشید و به ادامه نماز پرداخت و به رکوع رفت و پس از آن در سجده شد. پس از پایان نماز رفیق خود را بیدار کرد و موقعیت مهاجم را به او اعلام نمود رفیقش از جا حرکت کرد. مهاجم که دید این دو نگهبان متوجه او شده اند (توقف خود را بی ثمر دید و رفت).

اما نگهبان مهاجر گفت چرا در تیر اول مرا مطلع نکردی گفت مشغول تلاوت سوره ای بودم⁽⁴²⁾ که نمی خواستم آن را قطع کنم. وقتی دیدم پشت سرم هم تیر می زند بالاخره به رکوع رفتم و بعد ترا مطلع نمودم. بخدا قسم اگر نمی ترسیدم که با ادامه نماز خلل به مأموریت پاسداریم (که حفاظت از سپاه اسلام بدستور پیامبر بود). این تیرها را به جان میخریدم ولی سوره را قطع نمی کردم.⁽⁴³⁾

شرط تحصیل به نظر علامه بحرالعلوم

آخوند ملا زین العابدین سلماسی از شاگردان برجسته مرحوم سید مهدی بحرالعلوم نقل کرد که بحرالعلوم هر شب در میان کوچه های نجف گردش می کرد و برای فقرا نان و غذا می برد. پس از چند روز درس را تعطیل کرد طلبه ها از من خواهش کردند تقاضای تدریس کنم. من تقاضا کردم فرمودند درس نمی گویم. باز برای دوم درخواست کردند.

من خدمت ایشام عرض کردم فرمودند: نه ؛ من هر شب در کوچه های نجف می گردم نمی بینم طلبه ای تضرع و ناله و زاری در دل شب داشته باشد برای کسانی که چنین باشند درس نمی گویم. طلاب از آن پس به ابتغال و تضرع پرداختند و صدایشان شنیده می شد. علامه تدریس را شروع کردند. (44)

داستانی دیگر از اهتمام به نماز شب : در کتاب لئالی الاخبار از عالم جلیل ملا محسن تویسرکانی نقل می کند که مقدس اردبیلی بواسطه تهجد و ارتباط با خدا به این مقام عالی از زهد و تقوی رسید. یکی از طلاب از مرحوم مقدس اردبیلی درخواست کرد که اجازه دهند در حجره ایشان ساکن شود. مقدس امتناع داشت. آنقدر او بر تقاضای خود اصرار ورزید که ایشان گفتند اشکال ندارد ولی به شرط اینکه هر چه در حجره ما می گذرد به کسی نگویی.

آن طلبه ساکن حجره مقدس شد. بعد از چند روزی وضع از نظر مالی بسیار سخت گردید بطوری که یکی دو روز حتی قوت و خوراک ضروری هم نداشتند. بالاخره یک روز که این طلبه در حجره با حالتی زار و رنگ پریده و ضعف نشسته بود، یکی از دوستان از آنجا عبور کرد، او را با این حال دید پرسید چرا چنین شده ای گفت : حال و وضع ما با مقدس به اینصورت است.

او مبلغی از جیب در آورده گفت این مبلغ را با مقدس خرج خوراک و گذران کنید.

ظهر که مقدس وارد حجره شد بوی کباب استشمام کرد و نان تازه دید پرسید از کجا؟ جریان را برای ایشان توضیح داد، مقدس ناراحت شد که چرا بدیگری گفته؟ جواب داد او خودش پرسید من چیزی نگفتم.

آن شب مقدس با خوردن این غذا قبل از اذان صبح محتمل شد برای غسل از مدرسه خارج گردید تا به نماز شب خود برسد ولی حمامی در را باز نکرد و گفت تا اذان نشود در حمام باز نمی شود. مقدس هر چه از او خواهش کرد قبول نکرد تا بالاخره مبلغ بهای حمام را اضافه نمود حمامی راضی شد. در را باز کرد مقدس موجودی خود را در اختیار حمامی گذاشت تا به نماز شب برسد. بعد به آن طلبه گفت: دیگر ما با هم نمی توانیم زندگی کنیم من هر چه پول داشتم دادم تا بتوانم غسل کنم و نمازم را بخوانم عذر او را خواست. (45)

ابن ابی یغفور از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پرسیدم: ای ساعه یکون العبد اقرب الی الله و الله منه قریب؟ چه ساعتی بنده به خداوند نزدیک تر است و خداوند به او نزدیک؟

فرمود: وقتی آخر شب از جای حرکت می کند در حالی که چشم مردم در خواب است به جایگاه وضو می رود، وضویی شاداب می گیرد بعد به محل نماز خود می آید توجه به جانب پروردگار می نماید، به پا می ایستد و بانگ بر می دارد و تکبیر می گوید، نماز را آغاز می کند، قرائت نماز را می خواند، دو رکعت نماز به پا می دارد. باز برای دو رکعت دوم حرکت می کند یک منادی از فراز آسمان طرف راست عرش ندا می کند: ایها العبد المنادی ربه ان البر لنشیر

على رءسك من عنان السما و الملائكة محيطه بك لدن قدميك الى عنان السما
و الله ينادى! عبدى لو تعلم من تتاجى اذا ما انفتلت؟!

ای بنده ای که با خدا به راز و نیاز پرداخته ای! بال و پر رحمت بر سرت
سایه افکنده از فراز آسمان و ملائکه از جای قدمت تا قله آسمانها اطرافت پر
می زنند. خداوند عزیز می گوید: بنده من! اگر بدانی با که مناجات می کنی
روگردان از این مناجات نخواهی شد.

من عرض کردم یابن رسول الله! فدایت شوم انفتال چه معنی دارد؟ فرمود
اینکه روبرگردانی و پی کار خود بروی امام با بدن و چهره خود برگشت از
طرف من فرمود اینطوری.

و قال ابغض الخلق الى الله جيفة بالليل بطل بالنهار. کسی که شب همچون
مرداری افتاده و روز فردی بیهوده گرا و با بطالت عمر خود را بگذرانند،
منفورترین شخص نزد خداوند می باشد.

و قال رسول الله ﷺ خياركم اولوا النهي قيل يا رسول الله! من اولوا النهي
فقال المتهمجدون بالليل و الناس نيام (46)

پیامبر اکرم فرمود بهترین شما خردمندانتند عرض شد خردمندان کیانند فرمود
آنها که در دل شب به شب زنده داری مشغولند در حالی که مردم در خوابند.

شهید ثانی (رضوان الله علیه) یک شب برای نماز شب بیدار نشد در ارتباط با
این مصیبت اشعار زیر را سرود.

عظمت مصیبة عبدك المسكين	فی نومه عن مهر حورالعین
الاولیا تمتعوا بك فی الدجی	بتهجـد و تخشع و حنین
فطردتنی عن قرع بابك دونهم	اترى لعظم جرائمی سيقونى
اوجدتهم لم يذنبوا فرحمتهم	ام اذنبوا فغفرت عنهم دونى

ان لم یکن للعفو عندک موضع للمذنبین فاین حسن ظنونی⁽⁴⁷⁾

سفارش امام زمان علیه السلام

سید احمد رشتی می گوید در تاریخ 1280 هجری قمری عازم زیارت بیت الله از رشت به تبریز رفتم و از آنجا مرکبی کرایه کرده، روانه شدم در منزل اول سه نفر دیگر با من رفیق شدند در یکی از منازل بین راه خبر دادند که قدری زودتر روانه شویم زیرا منزل بعد خطرناک است کوشش کنید از کاروان عقب نمانید.

بهمین جهت دو سه ساعات به صبح مانده راه افتادیم هنوز یک فرسخ نرفته بودیم که هوا منقلب شد و برف باریدن گرفت بطوری که رفقا هر کدام سرهای خود را به پارچه ای پیچیدند و تند رفتند. من هرچه کردم که بتوانم با آنها بروم ممکن نبود. بالاخره عقب ماندم ناچار از اسب پیاده شدم و در کنار راه نشستم. متحیر بودم چه کنم مخصوصاً ششصد تومان پول برای هزینه سفر، همراه داشتم که بیشتر مرا آزرده داشت.

با خود گفتم تا صبح همین جا می مانم صبح به منزل قبلی برمی گردم و از آنجا با مستحفظ خود را به قافله می رسانم. اما ناگهان خود را در باغی دیدم که باغبان با بیل، برف های درختان را بر زمین می ریخت. جلو آمده گفتم کیستی؟ گفتم رفقایم رفتند من مانده ام راه را نمی دانم به زبان فارسی گفتم نافله بخوان تا راه را پیدا کنی. من مشغول نافله شدم نماز شب تمام شد باز آمد فرمود: نرفتی؟ گفتم راه را نمی دانم.

فرمود جامعه بخوان. من زیارت جامعه را از حفظ نداشتم. اکنون هم از حفظ نیستم والی از جا بلند شدم و جامعه را کامل از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود نرفته ای و هنور اینجایی؟! بی اختیار گریه ام گرفت گفتم آری راه را نمی دانم. فرمود عاشورا بخوان.

من زیارت عاشورا را حفظ نداشتم الان هم حفظ نیستم از جا بلند شدم و زیارت عاشورا را از حفظ خواندم حتی لعن و سلام آن را با دعای علقمه. بار سوم آمد فرمود نرفتی؟ گفتم نه هستم.

فرمود من اکنون تو را به قافله می رسانم چیزی نگذشت که رفت و سوار بر الاغی برگشت و بیل خود را به دوش گرفته بود. فرمود پشت سر من بر الاغ سوار شو. من هم سوار شدم، افسار اسبم را کشیدم. اسب اطاعت نکرد. فرمود جلو اسب را بمن بده. عنان اسب را بدست گرفت و راه افتاد اسب در نهایت اطاعت پیروی کرد. در این موقع دست مبارک خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله! نافله! نافله!

بعد فرمود شما چرا زیارت عاشورا نمی خوانید عاشورا عاشورا عاشورا

پس فرمود شما چرا زیارت جامعه نمی خوانید جامعه جامعه جامعه

دقت کردم دیدم موقع پیمودن راه بنحو دایره طی می کرد یکمرتبه برگشت و فرمود آنها رفقای شمایند که کنار نهر آبی فرود آمده اند و برای نماز صبح وضو می گیرند. من از الاغ پیاده شدم خواستم سوار اسبم بشوم نتوانستم آن آقا پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و به من کمک نمود تا سوار شدم و سر اسب را به طرف رفقایم برگردانید من در این هنگام با خود گفتم این شخص که بود که به زبان فارسی حرف می زد و حال آنکه زبانی جز ترکی و مذهبی جز عیسوی در آن نواحی نبود. چگونه با این سرعت مرا به قافله رسانید؟

برگشتم پشت سر خود را نگاه کردم و دیدم کسی دیده نمی شود. (48)

سفارش دیگری درباره نماز شب

سید بزرگواری از اهل علم و تقوی نقل کرد: از سامرا به قصد زیارت سید محمد می رفتم، راه را گم کردم هرچه ادامه دادم پیدا نکردم تشنگی و خستگی مرا از پای درآورد، از گرمای شدید و عطش فراوان روی خاکهای گرم افتاده، بیهوش شدم ناگهان چشم گشودم سر خود را بر زانوی شخصی دیدم کوزه آبی داشت قدری به من آب داد که به شیرینی آن نخورده بودم سفره نانی داشت دو سه نان ارزن در آن بود. از آن نان به من داد.

بعد فرمود سید! در این نهر آب خود را شستشو بده گفتم برادر اینجا که نهری نیست من از تشنگی مشرف بهلاکت بودم شما به داد من رسیدید. فرمود این آب جاری خوشگواری است. در این موقع چشمم به نهری جاری باصفایی افتاد در شگفت شدم با خود گفتم آب به این نزدیکی! من از تشنگی داشتم می مردم؟

فرمود قصد کجا داری؟ گفتم زیارت حرم مطهر سید محمد. فرمود این حرم سید محمد است تا نگاه کردم دیدم نزدیک است و حال اینکه از جایی که راه را گم کردم تا حرم مسافت زیادی بود. به طرف حرم راه افتادم در بین راه مطالبی فرمودند که در خاطر خود سپردم.

1. تاءکید در تلاوت قرآن شریف و انکار شدید کردند بر کسانی که می گویند قرآن تحریف شده حتی نفرین فرمودند بر آنهایی که حدیثهای تحریف را جهل کرده اند.

2. تاءکید در گذاردن عقیقی که نامهای مقدسه معصومین علیهم السلام بر آن نوشته شده، زیر زبان میت.

3. تاءکید در زیارت بقاع متبرکه ائمه علیهم السلام امام زاده ها و قبور صلحا و علما.

4. تاءکید در احترام سادات و ذریه علویه و فرمودند: سید! قدر انتساب به خاندان رسالت را بدان و این نعمت را بسیار سپاسگزاری کن که موجب سعادت و سربلندی است.

5. تاءکید مجدد فرمودند در قرآن خواندن و نماز شب و فرمودند: سید! حیف است از اهل علم که خود را وابسته به ما بدانند و مداومت بر نماز شب ننمایند.

6. سفارش فرمودند درباره تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و زیارت حضرت سیدالشهداء از دور و نزدیک.

7. تاءکید در حفظ کردن خطبه حضرت صدیقه طاهره و خطبه شقشقیه و خطبه حضرت زینب در این حال به این اندیشه فرو رفتم که این شخص عرب کیست شاید امام زمان است یک مرتبه دیدم تنه‌ایم و کسی با من نیست. ⁽⁴⁹⁾

نماز شب در طول چهل سال: حضرت آیه الله وحید خراسانی در ضمن درس که نویسنده از نوار آن را منتقل کرده ام. فرمودند مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی که در مشهد مقدس معروف و شخصیت مورد اعتمادی بودند. سالها در مسجد جامع گوهرشاد به اقامه جماعت اشتغال داشتند. اهل علم و طلاب علوم دینی (که نویسنده خود شاهد آن بوده ام) معمولا پشت سر ایشان نماز می خواندند. آقای وحید فرمودند من خودم بیست سال تحت سرپرستی ایشان در مدرسه حاج حسن بودم.

آقای گلپایگانی به من فرمودند در تهران مریض شدم و در بستر افتاده بودم. یک روز رو کردم به جانب حضرت رضا علیه السلام گفتم آقا! مدت چهل سال تمام نماز شب و نافله نیمه شبم را پشت درب صحن سجاده پهن کردم در سرما و گرما خواندم تا درب باز می شد و داخل حرم می شدم حالا در این بستر افتاده ام به من عنایتی نمی فرمایید؟

ناگاه در همان حال بیداری دیدم در بستان و باغی در خدمت حضرت رضا علیه السلام هستم ایشان از داخل این باغ یک گل چیدند و بدست من دادند، آن گل را بوییدم و حالم خوب شد. آن دستی که حضرت رضا علیه السلام به آن دست گل دادند چنان با برکت شد که بر سر هر بیماری می کشیدم رفع مرض می گردید.

آقای وحید فرمودند: خود حاج شیخ فرمودند ابتدا با یک دست کشیدن رفع بیماریهای صعب العلاج می شد ولی بعدا که با این دست با مردم مختلف مصافحه کردم آن برکت اول را از دست داد. حالا باید بعد از دست کشیدن دعاهاى دیگری را ضمیمه کنم و بخوانم تا شفا پیدا کند.

آقای وحید می فرمودند. بیمارهای مختلفی بدست ایشان شفا یافتند.

اهتمام به نماز شب از آیه الله شهاب الدین مرعشی

در وصیت اولی آیه الله مرعشی چنین آمده است.

وصیت می کنم که سجاده ای را که هفتاد سال نماز شب بر روی آن خوانده ام با من دفن کند.

باز ادامه می دهد: او را سفارش می کنم تسبیح تربتی که با آن در سحرگاهان به عدد دانه هایش استغفار نموده ام با من دفن نماید. ⁽⁵⁰⁾

ملاحظه فرمایید سرمایه یک دانشمند جلیل القدر به قبر و قیامت، سجاده و تسبیح و ناله ها و اشک های جاری در نیمه شب است. فراموش نکنید از چنین سرمایه ای.

خود ایشان می گوید وقتی ساکن قم شدم نماز جماعت در سحر و صبح در حرم معمول نبود. شصت سال قبل تنها کسی که یک ساعت قبل از اذان به حرم مشرف می شد من بودم. بطور متوالی هر شب حتی شبهای برخی در زمستان که کوچه و بازارها پر از برف بود. ایشان به همراه خود در چنین شبهایی یک برف

روب کوچک بهمراه می آوردند تا راه را باز کنند و به حرم برسند. هنوز در راه باز نکرده بودند پشت در منتظر می نشستند.

فرمودند مدت‌ها نماز را تنها می خواندم تا کم کم یک نفر دو نفر اقتداء کردند و بتدریج جمعیت زیاد شد. شب آخر عمر هم در حرم نماز جماعت به پا داشتند. (51)

سرمایه شب زنده داری رقت قلب است

جناب استاد محسن قرائتی (در تلویزیون جمهوری اسلامی شب هفده رمضان سال 1414 هجری قمری) از قول مرحوم سید احمد خمینی چنین نقل کردند: امام راحل علیه الرحمة همیشه دو ساعت قبل از اذان صبح برای نماز شب و دعا آماده بود از سرمایه هایی که برای نماز شب داشت گریه زیاد بود بطوری که دستمال های اشکش چنان خیس می شد که آنها را عوض می کرد و دستمال دیگری برمی داشت.

در مصیبت اهل بیت علیهم السلام نیز بسیار اشک می ریخت خطیب توانا آقای کوثری خدمت آقا می رسید و شروع بخواندن اشعار در مصیبت می کرد امام با صدای بلند گریه می کرد. بسیار رقیق القلب و اشک ریز بود و شدت ولایت و محبت را به معصومین علیهم السلام داشت. (52)

در کتاب سیمای فرزندگان (53) از قول فرزند اما خمینی می نویسد:

1. شبی که با امام ار پاریس عازم ایران بودیم، امام در هواپیما برای نماز شب برخاستند و چنان می گریستند که خدمه ایرفرانس تعجب کرده بودند شنیدم که پرسیده بودند: آیا امام از چیزی ناراحت هستند؟ من گفتم که کار هر شب امام است.

2. وقتی امام را از قم می بردند برای زندان (در عصر طاغوت) امام با حالتی نماز شب خوانده اند که یکی از همراهان مثل اینکه سرگرد عصار بود بعدا به من گفت که ما تحت تأثیر شدید نماز امام واقع شدیم و یکی از ما تهران گریه کرده بود.

3. روزی که از نجف عازم کویت شدیم از صبح ساعت 4 حرکت کردیم شاید هم زودتر. بعد از آن همه گرفتاریها ساعت 12 و شاید بیشتر سرانجام امام در هتل بصره استراحت کردند دو ساعت نخوابیده بودند که ساعتشان زنگ زد و بیدار شدند و نماز شب خواندند و بعد هم نماز صبح...

اینهم شنیدن است در نماز شب: حاج سلیمان خان قاجار یکی از حکام سبزوار این داستان را از یکی از فرمانداران سابق اصفهان نقل کرد:
یکی از کنیزان منزل حاکم اصفهان فرار کرد و به منزل عالم ربانی سید محمد باقر شفتی پناهنده شد. بعد از چند روز سید شفت آن زن را به همراه نامه ای به حرمسرا فرستاد. در نامه نوشته بود: بخاطر من از گناه این زن بگذر در صورتی که گناهکار باشد. خواهش می کنم به خدمتکاران و نگهبانان سفارش کنید او را اذیت نکنند.

فرماندار اصفهان گفت از کنیز پرسیدم در این چند شبانه روز که در خانه سید بودی چه دیدی؟

گفت این آقا شبها دیوانه است و روزها عاقل. پرسید چطور؟!
جوابداد نیمه شب در داخل حیاط مثل ابر بهار اشک می ریزد و به نماز مشغول می شود گاهی در حال گریه بر سر خود می زند اما صبح که می شود عبا و عمامه می پوشد و بصورت یک دانشمند موقر و متین بکار مردم و امور لازم می پردازد. (54)

علامه طباطبایی صاحب تفسیرالمیزان (رضوان الله علیه) می گوید هنگامی که در اوایل جوانی برای تحصیل در نجف مشرف بودم، گاهگاهی خدمت آیه الله قاضی که از علمای بزرگ و مدرس حوزه بد مشرف می شدم زیرا ایشان از بستگان ما بودند و صله رحم نیز ایجاب می کرد خدمتش برسم.

یک روز جلو در مدرسه ای که مرحوم آیه الله قاضی از آنجا می گذشت ایستاده بودم. همینکه ایشان آمد بمن نزدیک شد و دست خود را روی شانه ام گذاشت گفت: یا بی ان ترید الدنیا فصل صلوة اللیل و ان ترید الاخرة فصل صلوة اللیل

پسرم اگر دنیا می خواهی به نماز شب پرداز اگر آخرت می خواهی نماز شب بخوان.

این سخن اثر عمیقی در روح من گذاشت از آن وقت بعد از مراجعت به ایران پنج سال تمام ملازمت خدمت این استاد ارجمند را اختیار کردم در شب و روز و از کمالات روحی ایشان بهره ها بردم.⁽⁵⁵⁾

گریه بی سابقه در شب زنده داری

آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی نقل کرد سید محمود خوانساری خطیب معروف مشتاق بود نماز شب آیه الله نورالدین عراقی را از نزدیک مشاهده کند زیرا شنیده بود ایشان در نماز شب گریه زیادی دارند اتفاقاً مرحوم عراقی گروهی از مومنین را ماه رمضان به صرف افطار دعوت کرد که یکی از دعوت شده ها همین آقای خوانساری بود که مشتاق دیدن نماز شب آقا بود.

گفت وقتی افطار صرف شد و همه رفتند من از جا حرکت نکردم. مرحوم عراقی وقتی دید من نشسته ام به خادم خود گفت دو دست لحاف بیاور تا بخواهیم یکی را به من داد و دیگری را خودش خوابید، سعی کردم هنگام نماز

شب ایشان بیدار باشم. نیمه شب دیدم از جای حرکت کرد و خارج شد وضو گرفت و شروع به نماز کرد خیال می کرد من خوابیده ام همین که رسید به کلمه «العفو» و تکرار نمود چنان بشدت گریه می کرد که از شدت گریه گلوگیر شده بود.

آیه الله اراکی فرمودند ایشان در مورد مرثیه امام حسین و ائمه علیهم السلام نیز بشدت گریه می کرد من خود شاهد بودم در دهه اول محرم که در منزل خودشان روضه داشتند از اول آفتاب تا ظهر با اینکه منبریهای متعدد یکی پس از دیگری به فیض می رساندند و مردم جمعیت زیادی را از اراک و جاهای دیگر را در این مجلس تشکیل می دادند.

از اول مجلس تا آخر آن در مقابل ایشان چند دستمال برای اشک می گذاشتند که پیوسته از کثرت گریه آنها را عوض می کرد. در روز عاشورا گریه بسیار بسیار زیادی داشت و به تمام معنی بکاء بود. ⁽⁵⁶⁾

این هم شخصیت دیگری از شب زنده داران: آیه اله سید محمد کاظم مدرسی (رضوان الله علیه) یکی از شخصیت های برجسته روحی و معنوی بود. عبادات و شب زنده داریهای خود را پیوسته مخفی نگه می داشت. اما زهد عجیب و تواضع فراوانی؟ داشت شاهد ملکات روحی و عظمت معنوی ایشان بود.

خانواده ایشان می گفت سالهای سال نماز شبش ترک نمی شد حتی آخرین شب زندگیش برای تهجد حرکت کرد در غرفه کوچک بیمارستان تهران. پسر خواهرم که با ایشان در بیمارستان بود گفت آن شب در بیمارستان از من جوپای ساعت شد عرض کردم ساعت برای چه می خواهید با این حالی که دارید؟! فرمودند این شب مهمی است مایلیم بدانم چه ساعتی است ساعت خود را در

اختیارش گذاشتم. متوجه شدم تصمیم شب زنده داری و تهجد دارد پزشک معالجش می گفت در آن شب هنگام وضو برای نماز شب شنیده بود بخودش می گوید: کاظم! این عمر تو را کافی است نترس این راهی است که دیگران نیز طی کرده اند. کاظم! این آخرین شب زندگی تو است. ایمان خود را به خدا محکم کن و نترس...

بالاخره در حال قنوت نماز صبح روحش به عالم بالا پرواز کرد. پسر بزرگش آقا سید محمد تقی مدرس می گوید آن شب ما آخر شب به منزل برگشتیم. من نماز صبح را هنگام اذان خواندم. بعد در حال چرت بودم که شنیدم کسی می گوید: محمد کاظم مدرسی به جانب بهشت رهسپار شد. از بیمارستان خبر دادند که پدرتان از دنیا رفته پرسیدم چه وقت گفتند کمتر از نیم ساعت است. این همان وقتی بود که من صدا را شنیدم. (57)

شب زنده داری کاشف الغطاء: در کتاب لمعات النور می نویسد: شیخ جعفر کبیر کاشف الغطا صاحب کتاب «کشف الغطا» خواب کمی داشت بیشتر اوقات سحر هنگام نماز شب مطالعه می کرد آنگاه برای نماز شب و دعا و تضرع بدرگاه خدا به پا می خاست تا فجر که نماز صبح را بخواند.

فرزندش گفت شب صدای گریه اش را بلند با صیحه شنیدیم وقتی رفتیم دیدیم خیلی منقلب و ناراحت است.

کمی آرام گرفت گفت امشب برای یک مسئله فقهی هرچه گشتم دلیلی از روایات پیدا نکردم با خودم گفتم خدا خیر بدهد به فقهای ما مسئله ای را فتوی می دهند اما بدون دلیل؟! بعد خوابیدم در عالم رویا دیدم به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام مشرف شده ام، به کفش کن که رسیدم دیدم ایوان صحن داخلی مفروش است و در قسمت بالای مجلس منبر بلندی نهاده شده. یکی از علما با

وقار و هیبت خاصی که از چهره اش نور می تابد مشغول تدریس برای بزرگان از علما است.

پرسیدم این مدرس کیست؟ گفتند محقق اول صاحب شرایع است اینها هم علمای شیعه هستند خیلی خوشحال شدم بطرف منبر رفتم سلام به محقق حلی کردم توقع داشتم او با گرمی مرا بپذیرد ولی دیدم به من اعتنایی نکرد و به سردی جواب داد. فکر کردم به من توهین کردند به محقق حلی گفتم مگر من از علمای شیعه نیستم.

در جواب من محقق با خشم گفت علمای امامیه رنج ها برده اند برای جمع آوری روایات اهل بیت از اینطرف و آن طرف دنیا هر روایتی را در محل خود با قید نام روای ضبط کرده اند. ضعیف و صحیح روایات را مشخص نموده اند تا مثل شما بدون رنج و زحمت دلیل آن را ببینی. تو بیش از چهار ساعت کتابهای خودت را نگستی و به مصادر دیگر مراجعه نکردی آن وقت اعتراض کردی که آنها حکمی را فتوا داده اند بدون دلیل!!

بین این دانشمندان را (اشاره کرد به ملا محسن فیض که زیر منبر نشسته بود) او کتابی نوشته و روایت مورد نظر ترا در چند مبحث به مناسبت ذکر کرده آن کتاب را خودت هم داری. کیفیت سخن گفتن محقق حلی چنان با صلاحیت بود که مرا تکان داد و از خواب بیدار شدم. از این سوء ظن خود نسبت به علمای اعلام شرمنده شدم اینک می بینی چه حالی دارم چرا بر خطای خود گریه نکنم.

(58)

چنانکه ملاحظه می کنید علما و دانشمندان شیعه به پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام و ارادتمندان این خاندان سعی داشتند هرگز نماز شب را ترک نکنند و از این راه رابطه ای استوار با درگاه خداوند متعال داشته باشند.

مناسب این جریان شعر ابن عباس است که گفته :

اذا كثر الطعام فحذروني فان القلب يقسده الطعام
 اذا كثر المنام فنبهوني فان العمر ينقصه المنام
 اذا كثر الكلام فسكتوني فان الدين يهدمه الكلام
 اذا كثر المشيب فحركوني فان الشيب يتبعه الحمام⁽⁵⁹⁾

وقتی غذا زیاد می خورم مرا بترسانید زیرا غذای زیاد دل را تباه می کند
 وقتی زیاد می خوابم مرا بیدار کنید زیرا عمر با خواب کاسته می شود و از بین
 می رود وقتی زیاد حرف زدم مرا ساکت کنید زیرا زیاد حرف زدن دین را تباه
 می کند وقتی پیری رو بفزونی رفت مرا حرکت دهید چرا که پشت سر پیری
 مرگ است.

هر کنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود
 مرحوم ملکی می گوید: استادم (ملا حسینقلی همدانی) گفت فقط متهمجدین
 هستند که به مقاماتی نائل می گردند. غیر آنان به هیچ جایی نخواهند رسید.⁽⁶⁰⁾
 یکی از دوستان و نزدیکان مرحوم حاجی میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می
 گوید:

مرحوم ملکی شبها که برای تهجد و نماز شب به پا می خاست ابتدا در
 بسترش مدتی به صدای بلند گریه می کرد، سپس بیرون می آمد و نگاه به
 آسمان می کرد و آیات «ان فی خلق السموات و الارض...» را می خواند و سر
 به دیوار می گذاشت و مدتی گریه می کرد و پس از تطهیر نیز کنار حوض مدتی
 پیش از وضو می نشست و می گریست و خلاصه از هنگام بیدار شدن تا آمدن
 به محل نماز و خواندن نماز شب چند جا می نشست و گریه سر می داد و چون
 به مصلاایش می رسید دیگر حالش قابل وصف نبود.⁽⁶¹⁾

مرحوم حاج آقا جواد ملکی در کتاب مراقبات (ص 149) در مورد کیفیت مناجات می نویسد از کارهایی که موثر است در حال پیدا کردن برای گریه و مناجات این است که دستهای خود را به گردن غل کند لباسهای خشن بپوشد و خود را به خاک اندازد و صورت بر زمین بمالد و سر به دیوار تکیه دهد چد قدم برود باز بایستد. ناله بزند ساکت شود خود را در محشر ببیند بعد خویشتن را سرزنش نماید با سرزنشهایی که جهنمیان را خداوند سرزنش کرده و بترسد از اینکه به او چنین خطاب شود خذوه فغلوه ثم الحجیم صلوه ثم فی سلسله ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه.

انسان بعد از اینکه در نماز شب حال پیدا کرد باید فرصت را مغتنم شمارد برای دعاهای سازنده نسبت به خود و فرزندان و بستگان.

آقا احمد نواده وحید بهبهانی در کتاب «مرآت الاحوال» می نویسد: از بعضی نقات شنیدم که آخوند ملا محمد تقی نقل کرده که در شبی از شبها بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری به درگاه قادر متعال خود را به حالتی دیدم که دانستم هرچه از درگاه احدیت مسئلت کنم به اجابت مقرون می افتد فکر می کردم چه بخواهم، امر دنیوی یا اخروی؟ که ناگاه صدای گریه محمد باقر (مجلسی دوم) از گهواره بلند شد من گفتم الهی به حق محمد و آل محمد این طفل را مروج دین و ناشر احکام سید المرسلین گردان و موفق کن او را به توفیقات بی نهایت خود. سپس آقا احمد می گوید: و مسلم است که این خوارق عادات که از آن بزرگوار به ظهور رسیده نیست مگر از دعای چنین بزرگواری.⁽⁶²⁾

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء وارد قزوین شد و در منزل یکی از بزرگان رحل اقامت افکند، در آن منزل، باغی نیز وجود داشت وقتی خواب فرا رسید و همه خوابیدند منم در گوشه باغ خوابیدم. چون پاسی از شب گذشت شنیدم

شیخ مرا صدا می زند و می گوید برخیز و نماز شب به جای آور عرض کردم : بلی بر می خیزم شیخ رد شد من دوباره خوابیدم ناگهان صدایی به گوشم خورد به دنبال آن روانه شدم وقتی به نزدیک جایی که سر و صدا می آمد رسیدم دیدم جناب شیخ به تضرع و گریه و مناجات مشغول است و صدای ایشان چنان در من اثر گذاشت که از آن شب تاکنون که 25 سال است هر شب برمی خیزم و به مناجات مشغول می شوم. (63)

شیخ حسن فرند کاشف الغطا می گوید: عادت شیخ جعفر آن بود که هر شب وقت سحر بیدار بود و می آمد دم در اتاقها و عیال و اطفال همه را بیدار می کرد و می گفت : برخیزید و نماز شب بخوانید و همه بر می خاستند من در آن زمان کودک بودم و خواب بر من غلبه می کرد وقتی شیخ دم اتاق من می آمد و صدا می زد برخیز! من به همان حالت که دراز کشیده بودم می گفتم و الضالین یا الله اکبر یعنی من مشغول نمازم. (64)

شهید قدوسی و اهمیت به نماز شب

درباره او نوشته اند: ایشان حتی به مستحبات و مکروهات بسیار اهمیت می داد. نماز شب را برای روحانی لازم می دانست یک شب در مسجد گوهرشاد با نگرانی خاصی می فرمود: برایم بسیار ناگوار و غیر منتظره بود که شنیدم یکی از اساتید مدرسه «حقانی» مقید به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم. معلوم شد سبکی معده را در شب رعایت نمی کند بار دیگر می فرمود: ما وقتی در نهادند بودیم سال یک بار به صورت خانوادگی منزل یکی از آشنایان دعوت می شدیم من پس از تکرار چند نوبت دیدم همان شبی که ما در آن مهمانی غذا می خوریم نماز صبح روز بعد به آخر وقت کشیده می شود (و موفق به نماز شب نمی شوم) متوجه شدم در اموال آن شخص اشکالی وجود دارد. (65)

کمتر مجلسی بود که قدوسی در آن نتواند خواب و بستر گرم را رها کرده، برای نماز شب از آن بگذرد، در آینده از خیلی چیزها نخواهد گذشت... او ریا را آفت اخلاص می دانست و در عین حال می گفت: گاهی شیطان با همین حربه ریا نفس را بر شما حاکم می سازد و به اسم این که شاید «ریا شود» مانع نماز شب شما می شود و جلو مناجات و دعای شما را می گیرد.

عصر روز عرفه با این که برای درس اهمیت فوق العاده ای قائل بود کلاسها را تعطیل می کرد تا طلاب دعای «عرفه» بخوانند. برای محصلین پیک نیک مسجد «جمکران» تشکیل می داد تا در آن مسجد دعا و نماز برگزار شود، محبوبترین و والاترین، محصل مدرسه متعهدترین ها بودند نه درس خوان ترین ها. هنگامی که برخی دوستان مدرسه مطرح می کردند، اگر به جای نماز شب و دعا به مطالعه پرداخته شود، و بهتر خواهد بود می گفت مطرح می کردند، اگر به جای نماز شب و دعا به مطالعه پرداخته شود، و بهتر خواهد بود می گفت ولی حضرت آیه الله العظمی خمینی می فرمودند: نماز شب وقت چندانی نمی گیرد و بدین وسیله ضرورت تعبد را در کنار تعمم گوشزد می کرد او می گفت طلبه ای که هنگام نماز شب بیدار باشد و نماز شب نخواند از اشرار خواهد بود. قسمتی از سفارش ملا حسینقلی همدانی در نامه ای چنین می نگارد.

البته از غذای حرام فرار کن مخور مگر حلال، غذا را کم بخور و زیاد مخور. یعنی زیاده بر حاجت بنیه مخور. نه چندان بخور که تو را سنگینی بکند و از عمل باز دارد و نه چندان کم بخور که ضعف آورده و به سبب ضعف از عبادت مانع شود و هر قدر بتوانی روزه بگیرد به شرطی که شب جای روز را پر نکنی. الحاصل، غذا به قدر حاجت بدن، ممدوح، و زیاد و کم هر دو مذموم است. شروع به نماز کن با قلب پاک از حقد و حسد و غل و غش مسلمانان، لباس و

فرش و مکان نمازت باید مباح باشد اگر چه مکان غیر محل جبهه نجس بودنش به نجاست غیر متعدیه نماز را باطل نمی کند ولی نبودنش بهتر است و بایست به نماز به گونه ایستادن بنده در حضور مولای جلیل با گردن کج و قلب خاضع و خاشع و بعد از فریضه صبح هفتاد بار استغفار کردن. و تسبیح سیده نساء حضرت زهرا علیها السلام را بعد از فریضه ترک نکن و هر قدر بتوانی لا اقل یک جزء قرآن با احترام و وضو و خضوع و خشوع بخوان و در بن خواندن حرف مزین مگر در مقام ضرورت... و از یاد مرگ غافل مشو و دست بر گونه راست گذاشته با یاد خدا بخواب (مثل میت در قبر) و از وصیت کردن غافل مشو و ذکر مبارک لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الضالمین از علم طبیعت خارج می شود.

میرزا جواد آقا ملکی در کتاب اسرارالصلوة خود می نویسد: ⁽⁶⁶⁾ این حرف ها را بپذیر و انکار نکن. خدا را شاهد می گیرم که من از متهمیدین و شب زنده داران کسی را می شناسم که به هنگام سحر صدای فرشته ای که او را بیدار می کند می شنود با لفظ «آقا» به او خطاب می کند و آن شخص با این سخن بیدار می شود و به نماز شب می ایستد. ⁽⁶⁷⁾

یکی از کسانی که مرحوم ملکی را زیارت کرده و از او بهره برده می گوید: حاج میرزا جواد آقا روزی پس از پایان درس عازم حجره یکی از طلبه ها که در مدرسه دارالشفا بود شد و من در خدمتش بودم به حجره آن طلبه وارد شد و پس از بجای آوردن مراسم احترام و اندکی جلوس برخاست و حجره را ترک کرد و هدف از این دیدار را پرسیدم در پاسخ فرمودند:

شب گذشته هنگام سحر فیوضاتی بر من افاضه شد که فهمیدم از ناحیه خودم نیست و چون توجه کردم دیدم این آقای طلبه به تهجد برخاسته و در نماز

شبهش به من دعا می کند و این فیوضات اثر دعای اوست این بود که به خاطر
سیاسگزاری از عنایتش به دیدارش رفتم.⁽⁶⁸⁾

بخش سوم : کیفیت شب زنده داری و نافله شب

مهمترین مطلب در کیفیت نماز شب توجه به وقت آن است در این مورد چند مسئله از متن عروة الوثقی ذکر می کنیم تا باعث مزید اطلاع گردد. در (مسئله 8 ص 525 ج 1) عروة می نویسد: وقت نافله شب ما بین نصف شب و فجر دوم یعنی اذان صبح است.

در مسئله نهم می نویسد: مسافر و جوانی که بیدار شدن برای او مشکل است می تواند قبل از نصف شب نماز شبش را بخواند همینطور هر کسی که عذری داشته باشد از قبیل پیرها یا ترس از سرما یا ترس از احتلام یا مریض باشد که شایسته است در چنین مواردی نیت تعجیل نماید نه قصد اداء داشته باشد. در مسئله دهم می نویسد: اگر امر دایر شد بین تقدیم نماز شب یا قضای آن. قضا بهتر از تقدیم است.

در مسئله یازدهم می نویسد: اگر مقدم داشت نماز شب را ولی بر سبیل اتفاق در وقت نماز، بیدار شد، اعاده لازم نیست.

در مسئله دوازدهم می نویسد: اگر اذان صبح شد و شب زنده دار چهار رکعت یا بیشتر از نماز خود را خوانده بود بقیه را سبک بخواند و تمام نماید اما اگر به نماز شب مشغول نشده اول دو رکعت نافله صبح را بخواند بعد نماز صبح را می خواند، پس از آن نماز شب را قضا می کند. در صورتی که مشغول نماز شب شده (ولی چهار رکعت نخوانده) اذان شد همان نمازی را که شروع کرده تمام نماید سپس نافله صبح و بعد از نماز صبح بقیه نافله شب را قضا نماید.

علامه مجلسی (رضوان الله علیه) در بحارالانوار می نویسد: ⁽⁶⁹⁾ علماء و دانشمندان شیعه بر این اعتقادند: نافله شب هر چه نزدیک تر به فجر و اذان

خوانده شود بهتر است که در دو کتاب منتهی و معتبر ادعای اجماع بر این مطلب را دارد.

اما اخبار زیادی هست که دلالت دارد ائمه علیهم السلام نماز شب را با فاصله کمی از نیمه شب شروع می کردند که روایات زیادی این مطلب را تأیید می کند و ساعت استجاب دعا است.

مطلب دوم کیفیت نماز شب - انجام نماز به دو صورت است. صورت اول متفرق خواندن نماز شب، به این طریق که ابتدا چهار رکعت اول را بخواند باز بخوابد باز حرکت کند چهار رکعت دوم را بخواند که این کیفیت را رسول اکرم صلی الله علیه و آله انجام می داده است.

شیخ طوسی در تهذیب ⁽⁷⁰⁾ از معاویه بن وهب نقل می کند که گفت از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: نماز شب را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اینطور می خواند. آب را آماده بالای سر آن حضرت می گذاشت و مسواک را زیر بستر خود می گذاشت، بعد می خوابید بعد که بیدار می شد در بستر خود می نشست و چشم به آسمان می دوخت و این آیات از سوره آل عمران را می خواند.

ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لایات لا ولی الالباب. الذین یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقدا اخزیته و ما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا برکم فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و آتانا و عدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیامه انک لا تخلف المیعاد. ⁽⁷¹⁾

بعد مسواک می کرد پس از آن وضو می گرفت بعد به محل نماز خود می رفت و چهار رکعت نماز می خواند. رکوع هر رکعت به اندازه قرائت (حمد و

سوره) طول می کشید و سجده را به اندازه رکوع طولانی می کرد. آنقدر در رکوع می ایستاد که انسان فکر می کرد کی سر بر خواهد داشت؟ و سجده را نیز چنان ادامه می داد که بیننده فکر می کرد کی سر بر خواهد داشت (بعد از انجام این چهار رکعت) بر می گشت به رختخواب خود و می خوابید.

باز بیدار می شد همان آیات سوره آل عمران را می خواند در حالی که چشم به آسمان داشت باز مسواک می کرد و وضو می گرفت و به جایگاه نماز خود می رفت و چهار رکعت نماز مانند مرتبه اول می خواند سپس به رختخواب برمی گشت و مقداری می خوابید. باز بیدار می شد آیات را تلاوت می کرد و چشم به آسمان می دوخت. مسواک می کرد و وضو می گرفت و به جایگاه نماز می رفت و نماز وتر (منظور شفع و وتر است) می خواند و بعد دو رکعت نماز نافله صبح) را به جا می آورد آنگاه به قصد ادای نماز صبح به مسجد می رفت. در روایت کلینی ⁽⁷²⁾ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بعد از نقل جریان می فرماید ولکم فی رسول الله اسوة حسنه شما باید از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یاد بگیرید و روش آن جناب را پیروی کنید. من پرسیدم چه وقت حرکت می کرد فرمود پس از یک سوم از شب در حدیث دیگری است بعد از نیمه شب. ⁽⁷³⁾

نوع دوم از انجام نافله شب : تمام یازده رکعت نافله شب را به اضافه نافله صبح پشت سر هم قبل از اذان صبح به جا آورد ولی بیدار شدن به موقع یکی از توفیق ها و عنایات پروردگار است که باید توجه داشت اهتمام به نماز شب و انجام و مداومت آن، علاوه بر اینکه یک عادت ثانوی برای شب زنده دار بوجود می آورد، گاه و بیگاه بصورت های مختلف هنگام نماز شب که می شود او را بیدار می کنند مثلا زنگ در منزل بگوشش می رسد یا زنگ تلفن را می شنود اما پس از بیدار شدن متوجه می شود هنگام انجام نماز شب است یا رسماً کسی

او را صدا می زند وقتی بیدار می شود می بیند کسی نیست ولی موقع انجام نافله شب است. می توانید برای بیدار شدن به موقع قبل از خواب از تلاوت این آیه استفاده نمایید:

قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الہکم الہ واحد و فمن کان یرجو لقاء ربہ فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعبادۃ ربہ احد (74)

دعائی مجرب برای بیدار شدن به موقع برای نماز شب

نویسنده کتاب قصص و خواطر می نویسد: من دوازده ساله بودم که دانشمندی بزرگ و با ارزش در منامعه بحرین اقامه جماعت می کرد و بعد از نماز تفسیر سوره یوسف می گفت.

من برای استفاده از این دانشمند بزرگوار با چند وسیله سواری خود را به پای منبر ایشان می رساندم. در یکی از مواقع ایشان صحبت از فوائد نماز شب می کرد. بعد از تمام شدن منبر سوالاتی داشتم ولی شخصیت و مقامش به من اجازه سوال نمی داد، در این بین تبسمی خاص بر لبانش نقش بست مرا جرات سوال داد. یک سوال پرسیدم، اما ترسیدم ماشین برود و من بمانم. از دو سوال دیگر صرف نظر نمودم و با خداحافظی عازم رفتن شدم. اما در این موقع دیدم رو به من نموده گفت: تو دو سوال دیگر داشتی خجالت نکش عجله هم برای رفتن نداشته باش. با خود در فکر شدم که ایشان از کجا فهمید من دو سوال دیگر در خاطر دارم. تقاضا کردم به من چیزی بیاموزد تا بتوانم به موقع برای نماز شب بیدار شوم، فرمود قبل از خواب در حالی که با وضو هستی این دعا را بخوان اللهم لا تنسني ذکرک و لا تومنی مکرک و لا تجعلنی من الغافلین. (75)

دعا را یادداشت کردم.

وقتی به خانه رسیدم کمی دی شده بود پدر و مادرم با ناراحتی در انتظار بودند. مادرم برایم شام آورد ولی پدرم پاهای خود را روی هم گذاشته بود و به اخبار «بی بی سی» گوش می داد او خیلی مقید به گوش دادن اخبار جهان از رادیو بود. مادرم که حرف می زد او اشاره می کرد هیس. وقتی اخبار تمام شد رو به من نموده گفت پسر! تا حال کجا بودی؟ جریان را برایش شرح دادم ولی او از نصیحت فروگذاری نکرد و گفت پسر! شب دیر به خانه نیا! هوا گرم بود ما سه نفر (من و پدرم و مادرم) داخل حیاط می خوابیدیم زیرا توان خریدن وسایل از قبیل پنکه و کولر، نداشتیم به خاطرم هست که اذان صبح ساعت سه بود.

ساعت زنگ دار را برای ساعت دو تنظیم کردم و بطرف رختخواب رفتم اما دعایی که استاد یادم داده بود خواندم و نیت کردم پنج دقیقه زودتر از ساعت دو حرکت کنم تا نگذارم ساعت زنگ بزند، تا پدر و مادر عزیزم ناراحت نشوند. سبحان الله همینطور شد یک نفر بیدارم کرد چشم باز کردم دیدم ساعت پنج دقیقه به دو است. (76)

امام باقر علیه السلام می فرماید شب شیطان‌ی دارد به نام زهاء وقتی بنده ای بیدار می شود و تصمیم خواندن نماز شب را دارد، به او می گوید هنوز وقت نماز شب نشده. باز برای مرتبه دوم بیدار می شود باز می گوید وقت باقی است به همین صورت پیوسته او را تشویق به خواب می کند تا اذان شود.

باید شب زنده داران متوجه باشند گاهی مسائلی خاص موجب می شود که به موقع بیدار نشوند از قبیل 1. آلوده شدن به گناه در روز (77) ان الرجل یذنب الذنب فیحرم صلوٰة اللیل و ان العمل السی اسرع فی صاحیه من السکین فی اللحم گاهی شخص گناه می کند و از نماز شب محروم می گردد و کار بد سریع

تر اثر می گذارد از کارد بر روی گوشت 2. پر خوری شب که امیر المومنین علیه السلام می فرماید لا تطمع فی ثلاث مع ثلاث. تطمع فی احياء الليل مع الاكل علی الشبع و لا هی نورانیة الوجه مع النوم فی الليل و لا فی الامان من مکاره الدهر مع صحبه الفساق. با سه چیز طمع به سه چیز نداشته باش : 1. طمع به شب زنده داری مدار با سیر غذا خوردن، 2. طمع به چهره شاداب و نورانی نداشته باش با خوابیدن شب، 3. طمع به آسوده بودن از پیش آمدهای بد روزگار نداشته باش با رفاقت کردن با فاسقها (که در انجام گناه بی پروا هستند).

در داستان تمثیل شیطان برای یحیی بن زکریا علیه السلام علاوه بر اثر پر خوری در شب، مسائل هشدار دهنده دیگری است که تمام آن را از سجاد الانوار نقل می کنیم. (78)

امام صادق علیه السلام از آباء بزرگوار خود نقل کرد: شیطان برای انبیاء مجسم می شد از زمان آدم تا وقتی خداوند عیسی مسیح را فرستاد، با انبیاء صحبت می کرد ولی بیشتر از همه آنها با یحیی بن زکریا انس داشت. روزی یحیی به او گفت : (یا ابا مرّة) ⁽⁷⁹⁾ من از تو یک تقاضا دارم. شیطان در پاسخ گفت مقام شما بالاتر از آن است که درخواستت را رد کنم هر چه مایلی بگو! فرمود: من مایلم دام ها و وسایلی که با آنها بنی آدم را صید می کنی به من نشان بدهی. ابلیس جواب داد با کمال میل تقاضای شما را می پذیرم ولی باید تا فردا منتظر باشید.

فردا صبح یحیی علیه السلام در خانه نشست و انتظار وعده را می کشید درهای اتاق را بسته بود که کسی داخل نشود. ناگاه دید ابلیس از پنجره اتاق با شکلی مخصوص وارد شد. صورتش به شکل میمون، بدنش به شکل خوک، چشمهایش برخلاف انسان طولش در بالا و پایین صورت بود، دندانها و دهانش نیز در طول صورت قرار داشت. دندانها به صورت یک استخوان واحد بود، چانه

و ریش نداشت. چهار دست در پیکر خود داشت که دو دست در سینه و دو دست در شانه قرار داشت. برخلاف انسان که مهره گردن و ستون فقراتش در پشت سر است از او در جلو بدنش بود اما انگشتهایش در پشت سر قرار داشت. قبایی در تن داشت که کمر آن را با یک کمر بند آویخته بود. یک ناقوس در دست داشت که زنگ بزرگی بر آن آویخته بود و بر سر یک کلاه خود آهنین و بر فراز آن یک قلاب آهنی قرار داشت.

یحیی اولی چیزی که از او پرید، گفت: این کمر بند چیست روی لباس بسته ای؟! جواب داد آیین مجوس است که من اختراع کرده ام و مجوسان را به آن وا داشته ام و پرسید این نخ های رنگارنگ چیست؟ گفت اینها همه رنگ های زنان است که بانوان پیوسته خود را می آریند تا مطابق یکی از این رنگها شود آنگاه مردم فریب زیبایی آنها را می خورند.

پرسید این ناقوس که در دست داری برای چیست؟ گفت این کانون همه لذتها از تنبور و دایره و عود و طبل و نی و سرنا است تبهکاران به شرابخواری می نشینند اما چنانچه مایلند کیف و لذت نمی برند من این ناقوس را بین آنها بصدا در می آورم به طرب در می آیند یکی می رقصد و دیگری انگشتک می زند و بعضی چنان بوجد می آیند که از حال طبیعی خارج می شوند و پیراهن چاک می زنند.

یحیی پرسید: چه چیز بیشتر از همه وسایل تو را خوشحال می کند «قال النسا فطابت نفسی بهن» گفت زنها دلم به آنها گرم است، یحیی پرسید این خود آهنین چیست که بر سر نهاده ای؟ گفت بوسیله این خود، خود را از دعای مومنین نگه می دارم (یعنی سپر بلای من است).

پرسید این قلاب که به آن آویخته ای چیست؟ گفت با همین قلاب دل مردمان صالح را چنگ می زنم و صید می کنم. گفت تاکنون ساعتی شده که بر من ظفر پیدا کنی؟ جواب داد نه «ولکن فیک خصله تعجبنی» اما تو دارای یک خصلت هستی و عادتت داری که من از آن خوشم می آید. پرسید آن عادت چیست؟

قال انت رجل اکول فاذا افطرت اکلت شمیت فیمنعک ذلک من بعض صلوتک و قیامک باللیل

گفت تو آدم پرخوری هستی در موقع افطار آن قدر می خوری که دچار عوارض پرخوری از قبیل امتلا معده می شوی. همین حالت تو را از بعضی نمازها و شب زنده داریت باز می دارد.

یحیی گفت: با خدای خود عهد بستم که تا زنده باشم دیگر پرخوری نکنم و از غذا سیر نشوم.

ابلیس گفت: من هم با خدا عهد بستم که هیچ مسلمانی را نصیحت نکنم تا بمیرم. از خدمت یحیی خارج شد و دیگر پیش او نیامد.

باید دقت کرد یکی از موجبات عدم توفیق و از مهمترین موانعی که انسان را از شب زنده داری و مناجات دل شب باز می دارد همین پرخوری است.

مهمترین مایه بیداری دل و صفای باطن و نشاط برای مناجات نخوردن غذای زیاد است چند روایت جهت تنبیه خود نویسنده و خواننده عزیز که مشتاق نوای دل شب است می آورم باشد که ان شاء الله توفیق پیدا کنیم.

عن النبی ﷺ ایاکم و البطنه فانها مفسدة للبدن و مؤونه للسقم و مکسلة عن العبادة⁽⁸⁰⁾ پیامبر اکرم فرمود از پرخوری بپرهیز زیرا پرخوری برای سلامتی بدن زیان دارد و موجب بیماری است و در انجام عبادت انسان را کسل می کند.

قال رسول الله : نور الحكمة الجوع و التباعد من الله الشبع⁽⁸¹⁾ لا تميتو القلوب
بكثره الطعام و اشراب فان القلوب تموت كالزروع اذ اكثر عليها الماء و قال لا
تشبعوا فتطفى نور المعرفه من قلوبكم و من بات يصلى فى خفه من الطعام بات
الحوار العين حوله

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: نور حکمت، گرسنگی است و دوری از خدا سیری
است. دلها را با زیاد خوردن و آشامیدن نمیرانید زیرا دل نیز مانند کشتزار است
که آب زیاد موجب نابودی آن می شود. پرخوری نکنید که نور معرفت از
دلهایتان می رود و هر کس شب را با کمی از غذا به نماز شب بسربرد
حورالعین گردش می گردند و اطرافش را می گیرند.

از گفتار پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: ما ملا آدمی و عاء شرا
من بطن⁽⁸²⁾ انسان ظرفی را پر نمی کند که بدتر از پر کردن ظرف شکم باشد.
کافی است انسان را، همان چند لقمه ای که موجب سلامتی و نیروی
زندگیش باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: اقرب ما يكون العبد الى الله اذا ما خف بطنه.
و عن ابی جعفر علیه السلام قال ما من شی ابغض الى الله من بطن مملو و قال ابعد
الخلق الى الله اذا امتلاء بطنه⁽⁸³⁾ نزدیک ترین حال بنده به خدا وقتی است که
شکمش سبک باشد و نیز امام باقر علیه السلام فرمود: چیزی نزد خدا منفورتر از شکم
پر نیست.

فرمود دورترین وقت بنده از خدا، موقعی است که شکمش پر باشد. با توجه
به این چند روایت این مطلب مسلم می شود که سلامتی و سعادت هم در دنیا و
هم در آخرت خودداری از پرخوری است البطنه راءس کل داء و احمیه راءس

کل دواء پر خوری سرآمد هر بیماری است و خودداری از غذا سرآمد هر دوا است.

بالاخره این توصیه، صریح آیه قرآن است «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» اسراف در خوردن و آشامیدن نکنید.

حال می پردازیم به محتوای رکعات نماز شب و کیفیت راز و نیازهای شبانه. نماز شب مرکب از نافله شب هشت رکعت است که دو رکعت دو رکعت خوانده می شود. و پس از آن دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر می باشد.

در منتخب حسنی می نویسد: اگر وقت تنگ بود، اکتفا نمایید به دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و دو رکعت نافله صبح. فقد ورد من قام قبل الفجر و صلی الوتر و رکعتی الفجر کتب له صلوٰة اللیل. هر کس قبل از اذان صبح بلند شود و نماز وتر (که سه رکعت است دو رکعت شفع و یک رکعت وتر) را بخواند با نافله صبح او را از نمازگزاران شب محسوب نمایند.

بعد از نماز شب مستحب است سه مرتبه خواندن سوره «انا انزلنا فی لیلة القدر» و ده مرتبه صلوات و 11 مرتبه قل هو الله احد و در آخر بگوید «کذلک ربنا» بعد بگوید: محمد بین یدی و علی ورائی و فاطمه فوق راسی و الحسن عن یمینی و الحسین عن شمالی و علی بن الحسین. محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن حولی بعد می گوید یا رب ما خلقت خلقا خیرا منهم، اجعل صلوتی بهم مقبوله و دعائی بهم مستجابا و حاجاتی بهم مقضیه و ذنوبی بهم مغفوره و رزقی بهم مبسوط. (84)

و هر کس مریض است و سلامتی خود را از خداوند می خواهد در سجده دوم از دو رکعت اول بگوید: یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سمیع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی خیر الدنیا و الاخره ما انت اهلہ و اصرف غنی شر الدنیا و الاخره ما انت اهلہ و اذهب عنی هذا اوجع (نام بیماری خود را ببرد) فانه قد غا ظنی و اخرنی⁽⁸⁵⁾

یکی از آداب مهم نماز شب طول دادن قنوت است مخصوصا در نماز «وتر». در فقه الرضا نقل می کند که فرمود: حافظو علی صلاة اللیل فانها حرمه الرب تدر الرزق و تحسن الوجه و تضمن رزق النهار و طولوا الوقوف فی الوتر فانه روی ان من طول الوقوف فی الوتر قل وقوفه یوم القیامه⁽⁸⁶⁾ مواظبت بر نماز شب کنید زیرا نماز شب احترام به ساحت مقدس پروردگار است و موجب افزایش روزی است و صورت انسان را زیبا می کند و ضامن رزق و روز است در نماز وتر زیاد بایستید (با قنوت طولانی) زیرا هر که در وتر زیاد بایستد روز قیامت برای حساب کم خواهد ایستاد.

در بلد الامین می نویسد بعد چنین دعا کند امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دعا می کرد: اللهم ان ذنوبی و ان کانت قطیعه فانی ما اردت بها قطیعه و لا اقول لك العبتی لا اعود لما اعلم من خلفی و لا اعدک استمرار التوبه لما اعلم من ضعفی فقد جئت اطلب عفوک و وسیلتی الیک کرمک فصل علی محمد و آل محمد و اکرمنی بمغفرتک یا ارحم الراحمین بعد سیصد مرتبه «العفو العفو العفو» می گوید.⁽⁸⁷⁾

در منتخب حسنی می نویسد: زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ در نماز «وتر» سحر سیصد مرتبه العفو العفو بعد می گفت رب اغفروا ارحم و تب فانک انت التواب الرحیم. ترجمه دعای حضرت امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ اینست: خدایا گرچه گناهان من موجب قطع رابطه بین من و تو می شود اما من این گناهان را برای قطع رابطه با

تو انجام نداده ام. خدایا نمی گویم از من راضی شو دیگر گناه نمی کنم زیرا می دانم که این وعده را خلاف خواهم کرد (و آلوده به گناه می شوم). خدایا بتو وعده نمی دهم توبه ام را ادامه دهم چون می دانم من ضعیف و ناتوان از ادامه توبه هستم. اینک به در خانه تو پناه آورده ام از تو تقاضای عفو دارم و جز کرم و عنایت تو وسیله و واسطه ای ندارم. خدایا صلوات را بر محمد و آل او بفرست و مرا با مغفرت و آمرزش خود گرامی بدار یا ارحم الراحمین.

از علل الشرایع نقل می کند: ابو عبیده خدای از امام صادق در تفسیر آیه «تتجا فی جنوبهم عن المضاجع» فرمود تو گمان می کنی کسانی که این آیه درباره آنها نازل شده شبها نمی خوابیدند گفتم آقا! خدا و پیامبر و فرزند پیامبر می دانند، قال لابد لهذا البدن ان تریحه حتی یخرج نفسه فاذا خرج النفس استراح البدن و رجع الروح و فیه قوة علی العمل فانما ذکرهم، تتجا فی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا.

فرمود: چاره ای نیست باید این بدن بیاساید تا نفس خارج شود وقتی نفس خارج شد بدن استراحت می کند و روح برمی گردد و قدرت و نیرو بر عمل پیدا می کند.

این آیه درباره امیر المومنین و شیعیان پیرو او نازل شده ینامون فی اول اللیل فاذا ذهب ثلثا اللیل او ما شاء الله فزعوا الی ربهم راغبین مرهوبین طامعین فیما عنده اول شب می خوابیدند دو ثلث یا مقداری که خدا می خواست از شب که می گذشت با تضرع و زاری و شوق بدر خانه خدا می رفتند با بیم و امید به رسیدن به آنچه در نزد خدا است. خداوند کیفیت کار آنها را در قرآن ذکر نموده است و اطلاع داده که به ایشان چه چیز عنایت می کند در جوار خود آنها را جا می دهد و وارد بهشت می کند و خوف و ترس از آنها می زداید.

گفتم یابن رسول الله فدایت شوم اگر در آخر شب حرمت کردم چه بگویم فرمود وقتی حرکت کردی بگو: الحمد لله رب العالمین و اله العالمین و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یبعث من فی القبور اگر این دعا را بخوانی و سوسه شیطان و پلیدی او از تو رفع می شود. (88)

در بلد الامین می نویسد: کان علی علیه السلام یتستغفر مرة فی سحر کل لیلة بعقب رکعتی الفجر.

امیر المومنین علیه السلام هر شب پس از دو رکعت فجر در سحرگاه هفتاد مرتبه استغفار می کرد.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «والمستغفرین بالاسحار» نقل شده که هر کس در نماز وتر هفتاد بار بگوید «استغفر الله ربی و اتوب الیه» و تا یک سال این عمل را ادامه دهد خداوند او را جزء استغفار کنندگان در سحرگاهان «المستغفرین بالاسحار» قرار می دهد. (89)

البته باید توجه داشت: آخرین رکعت نماز شب که «وتر» است دارای اهمیت خاصی است لذا سفارش شده در دعای دست آن هفتاد مرتبه استغفار. امام صادق علیه السلام به این ابی یعفر می فرماید استغفر الله فی الوتر سبعین مرة تنصب یدک السیری و تعد بالیمنی الاستغفار (90)

در قنوت وتر هفتاد مرتبه استغفار می کنی باین صورت که دست چپ را بلند می نمایی و با دست راست شماره استغفار را نگه می داری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفتاد مرتبه در «وتر» استغفار می کرد و هفت مرتبه می گفت هذا مقام العائذ بک من النار.

در خاتمه بحث کیفیت نماز شب دو مطلب لازم به تذکر است.

اول اینکه : پیامبر اکرم فرمود: هر گاه کسی نماز مستحب را در حال اختیار نشسته بخواند و هنگام رکوع برخیزد و از حال قیام به رکوع برود ثواب نماز ایستاده را در نامه عمل او می نویسند. (91)

در عروة الوثقی نیز طبق همین روایت فتوی می دهد.

مطلب دوم اینکه : مرحوم شهید (رضوان الله علیه) می گوید: نماز شب را در صورت بلند بخوانید تا اگر کسی بخواهد به نماز بایستد برخیزد و نافله مذهبی را انجام دهد ولی مشروط بر اینکه مأمون از ریا باشد. (92)

دعا در دل شب

از جهت اطلاع شب زنده داران و ان شاء الله پیروی از ائمه طاهرين عليهم السلام و دل بستن به مناجات و راز و نیاز در دل شب چند دعا که در فواصل رکعات نماز شب از ائمه عليهم السلام نقل شده و بسیار مضامین عالی دارد نقل می کنیم. در مصباح المتعجد و بلد الامین این دعا از حضرت رضا عليه السلام نقل شده بعد از رکعت هشتم نافله شب.

اللهم انی اسئلك بحرمة من عاذبک منك و لجاؤ الی عزتک و استکل لفیئیک و اعنصم بحبلک و لم یثق الا بک یا جزیل یا مطلق الاساری با من سمی نفسه من جوده و هابا ادعوک رهبا و رغبا و خوفا و طمعا و الحاحا و تضرعا و تملقا و قاعدا و راکعا و ساجدا و راکبا و ماشیا و ذاهبا و حایبا فی کل حالاتی و اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد...

بعد هر حاجتی که دارد از خداوند می خواهد سپس دو سجده شکر را به جا می آورد و در این دو سجده می گوید:

یا عماد من لا عمادله یا ذخر من لا ذخرله یا سند لا سندله یا ملاذمن لا ملاذله یا کھف من لا کھف له یا غیاث من لا غیاث له یا رجا من لا جار له یا

حرز من لا حرزله یا حرز الضعفاء یا کنز الفقراء یا عون اهل البلاء یا اکرم من
عفی یا منقذ الغرقى یا منجى الهلكى یا کاشف البلوى یا محسن یا مجمل یا منعم
یا مفضل انت الذی سجدلک سواد اللیل و نور النهار و ضوء القمر و شعاع الشمس
و دوی الماء و حقیف الشجر یا الله یا الله لا شریک لک و لا وزیر و لا
عضد و لا نصیر اسالک ان تصلى علی محمد و آل محمد ان تعطینى من کل خیر
سالک منه سائل و ان تجیرنى من کل سوء و استجار منک مستجیر انک علی کل
شی قدیر و ذلک علیک سهل یسیر. (93)

در مصباح المتہجد بعد از نماز شب این دعا را مستحب می شمارد کہ
طولانی است و یک قسمت آن را از باب تمین و تبرک نقل می کنیم: (94)
الهی انا عبدک الذی اویقته ذنوبه و کثرت عیوبه و قلت حسناته و عظمت
سیئاته و کثرت زلاته واقف بین یدیک نادم علی ما قدمت مشفق مما اسلفت
طویل الاسی علی ما فرطت مالی منک خفیر و لا علیک مجیر و لا من عذابک
نصیر فانما اسالک سوال و جل مما قدم مقر بما اجترح و اجترم و انت مولاء و
احق من رجاہ و قد عودتتى العفو و الصفح فاخبرنى علی جمیل عوائدک عندى
یا ارحم الراحمین و صلی الله رسوله محمد و آله .

بعد به سجده شکر می رود و این دعا را می خواند:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم ذلی بین یدیک و تضرعی الیک و
یاءسی من الناس و انسی ربک و الیک انا عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک
یا ذالمن و الفضل و الجود و النعماء صل علی محمد و آل محمد و ارحم ضعفی
و نجنى من النار یا رب یا رب حتى ینقطع النفس انه لیس یرد غضبک الا
حلمک و لا یرد سخطک الا عفوک و لا یجیر من عقابک الا رحمتک و لا
ینجى منک الا التضرع الیک فصل علی محمد و آله و هب لی یا الہی منک فرجا

قريبا بالقدره التي تحيي بها اموات العباد و بها تنشرميت البلاد و لا تهلكنى يا
الهي غما حتى تستجيب لى و تعرفنى الاجابة فى دعائى و اذقنى طعم العافيه الى
منتهى اجلى و لا تشمت لى عدوى و لا تسلطه على و لا تمكنه من عنقى....
در مصباح المتهجد مى نويسد: مستحب است كه براى برادران مومن خود در
سجده دعا كند و اين دعا را بخواند:

اللهم رب الفجر و الليالى العشر و الشفع و الوتر و الليل اذا يسر و رب كل شى
و آله كل شى و خالق كل شى و مليك كل شى صل على محمد و آل محمد و
افعل بى و بفلان و فلان ما انت اهلكه و لا تفعل بنا ما نحن اهل التقوى و اهل
المغفره

و نيز از حضرت صادق عليه السلام نقل شده كه به ابن ابى يعفور فرمودند در وتر
اين دعا را بخوان.

اللهم املا قلبى حبالك و خشية منك و تصديقا بك و ايمانا بك و فرقا منك
و شوقا اليك، يا ذاالجلال و الاكرام، اللهم حبب الى لقاءك خير الرحمة و البركة
و الحقنى بالصالحين و لا تؤخزنى مع الاشرار و الحقنى بالصالحين ممن مضى و
اجعلنى من صالحى من بقى و خذ بى سبيل الصالحين و لا تردنى فى شر
استنقذتنى منه يا رب العالمين و اعنى على نفسى بما اعنت به الصالحين على
انفسهم اسئلك ايمانا لا اجل له دون لقاءك تحيينى عليه و تولنى عليه و تحيينى
ما حيينى عليه و توفنى عليه اذا توفيتنى، و تبعثنى عليه اذا معثتنى و ابرء قلبى
من الرياء و السمعة و الشك فى دينى اللهم اعطنى بصرا فى دينك و فقها فى
عبادتك و فهما فى حلمك و كفلين من رحمتك و بيض وجهى بنورك و اجعل
رغبتى فيما عندك و توفنى فى سبيلك على ملتك و ملة رسولك صلى الله اللهم
انى اعوذبك من الكسل و الهرم و الجبن و البخل و الغلبة و الذلة و القوة و

المسكنه و اعوذبك من نفس لا تشبع و قلب لا يخشع و من دعاء لا يسمع و من صلوة لا تنفع و اعيزبك ديني و اهلي من الشيطان الرجيم.

اللهم انه لن يجيرني منك احد ولن اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل اجلي في شي من عذابك و لا تردني بهلكة و لا بعذاب اسالك الثبات على دينك و التصديق بكتابك و اتباع رسولك اسالك ان تذكرني برحمتك و لا تذكرني بخطيئتي و تقبل مني و تزيدني من فضلك اني اليك راغب.

اللهم اجعل ثواب منطقي و ثواب مجلسي رضاك و اجعل عملي و دعائي خالصا لك و اجعل ثوابي الجنة برحمتك و زدني و من فضلك اني اليك راغب اللهم غارت النجوم و نامت العيون و انت الحي القيوم لا يوارى منك ليل ساج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا بحرلجي و لا ظلمات بعضها فوق بعض تولج الرحمة على من تشاء من خلقك اشهد بما شهدت به على نفسك و ملائكتك اكتب شهادتي مثل شهادتم اللهم انت السلام و منك السلام اسالك يا ذاالجلال و الاكرام ان تفك رقبتى من النار.

همين دعا را با مختصر اختلافي در ركعت چهارم نقل شده به روايت شيخ كه مي توانيد در صفحه 249 بحار ج 87 آن را ملاحظه كنيد.

اين دعا نيز مضامين بسيار عالي دارد كه (الاختيار) مي نويسد پس دست خود را بلند مي كني و مي گويي :

الهي كيف اصدر عن بابك بخيبة منك و قد قصدتة على ثقة بك الهي كيف تويسني من عطائك و قد امرتني بدعائك صل على محمد و آل محمد و ارحمني اذا اشتد الانين و خطر على العمل و انقطع مني الامل و افضيت ال المنون و بكت على العيون و ودعني الاهل و الاحباب وحشي على التراب و نسي اسمي و بلي جسمي و افطمس ذكرى و هجر قبرى و لم يزرني زائر و لم

یذکرنی ذاکر و ظهرت منی المائم و استولت علی المظالم و طالت شکایة الخصوم و اتصلت دعوة المظلوم اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارض خصومی عنی بفضلک و احسانک و جد علی بعفوک و رضوانک الهی ذهبت ایام لذاتی و بقیة ماثمی و تبعاتی و قد اتیک منیبا تائباً فلا تردنی محروماً و لا خائباً اللهم آمن روعتی و اغفرزلتی و تب علی انک انت التواب الرحیم.

در پایان آداب نماز شب و دعاهاى توصیه شده در خلال آن بادی توجه داشت که شیخ در مصباح می نویسد: دعاها در این جا فراوان است چیز معینی نیست که نباید خوانده شود مستحب است قنوت را طولانی کند صدوق در فقیه نقل کرده که رسول الله ﷺ در قنوت این دعا را می خواند.

اللهم اهدنی فیمن هدیت و عافنی فیمن عافیت و تولنی فیمن تولیت و بارک لی فیما اعطیت و قنی شرما قضیت فانک تقضی و لا یقضی علیک سبحان رب البیت استغفرک و اتوب الیک و اومن بک و اتوکل علیک و لا حول و لا قوة الا بک یا رحیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس هفتاد مرتبه در سحر استغفار کند و مواظبت نماید تا یک سال خداوند او را از مستغفرین در سحرگاهان شمارد بهشت را برایش واجب کند و او را بیامرزد و هر کس چهل نفر از برادران را دعا کند بعد برای خود دعا نماید دعایش مستجاب می شود.

لازم به تذکر است که بهترین و عالیترین موقعیت جهت عرض ادب و راز و نیاز، دل شب و هنگام سحرگاه است که دغدغه زندگی و شور و شر فعالیت های روزانه پشت سر گذاشته شده است و موقعیتی نیز مناسب برای ارتباط با خدا است باید غنیمت شمرد و غفلت نکرد. بالاخره به هر صورت با کم و کاست ولو دو رکعت تنها باید شروع کرد و از خداوند توفیق بیشتر خواست. این

دعاهای مختلف که نقل شد هر کدام را که توانست می خواند، کم کم توفیق خواندن همه یا اغلب آنها را پیدا خواهد کرد ان شاء الله.

بخش چهارم : علت تشریح نوافل و اهمیت آن

اهمیت نوافل چیست و دلیل تشریح آنها کدامست؟

امام باقر علیه السلام ⁽⁹⁵⁾ می فرماید: می دانی چرا نمازهای مستحب برای شما تشریح شده است که در مورد شما تطول و مستحب است و درباره انبیاء نافله است. ⁽⁹⁶⁾ زیرا از نماز بنده، گاهی نصف یا ثلث یا ربع آن قبول می شود و انما یتقبل منها ما اقبلت علیها بقلبک همان مقداری از نماز قبول می شود که با توجه و حضور قلب خوانده ای نافله ها را اضافه نموده اند تا مقداری که در نمازها کم و کاست داری جبران نماید.

در این مورد چند روایت دیگر مشابه آن نقل شده است. نمازهای نافله چون واجب نیست لذا نیازمند به شوق و علاقه مکلف است که از روی نشاط و علاقه انجام دهد زیرا فرائض واجب و اجتناب ناپذیر است و در هر حال باید خوانده شود. نوافل وقتی اثر خاص خود را دارد که همراه با شوق و ذوق و علاقه مکلف به ارتباط با خدای متعال انجام شود لذا امیر المومنین علیه السلام می فرماید: ان للقلوب اقبالا و ادبارا فاذا اقبلت فاحملوها علی النوافل و اذا ادبرت فاقصروا بها علی الفرائض. ⁽⁹⁷⁾

دلها یک اقبال و یک ادباری دارند گاهی با نشاط به کار می پردازند و گاهی با بی میلی، هنگامی که نشاط دارند و متمایل هستند آنها را وادار به انجام نوافل کنید اما زمانی که بی میل هستند به همان نمازهای واجب اکتفا نمایند.

باز می فرماید: لا قرۃ لنوافل اذا اضرت بالفرائض کارهای مستحب موجب تقرب به خدا نمی شود در صورتی که زیان به واجبات و فرائض بزنند که این مسئله یکی از مهمترین عوامل گرایش های نابجای عامه مردم در انجام تکالیف است از باب مثال نیمه شب مشغول مثلا تلاوت قرآن هستند در دوره های تعلیم

قرآن که در زمان ما معمول است ولی صبحگاه که باید برای انجام فریضه صبح آماده باشد بخواب می رود به این روایت توجه کنید.

امام صادق علیه السلام به بزنتی می فرماید: انی لا مقت الرجل یكون قد قرء القرآن ثم ینام حتی یصبح لا یسمع الله منه شیئا ⁽⁹⁸⁾ من خشمگینم از شخصی که مشغول تلاوت قرآن در شب هست بعد سر به بستر می گذارد و می خوابد تا صبح، خداوند دیگر از او چیزی (از اذکار و اوراد) نمی شنود.

اگر دقت در انجام آداب و سنن مذهبی در میان مردم بشود می بینیم بیشتر این آداب را مردم با هوای نفس و میل به تظاهر و آمیخته با ریب و ریا انجام می دهند. هرچه بیشتر امکان تظاهر داشته باشد به آن دلبسته ترند.

ملاحظه کنید در تجهیز و تدفین مرده ها چقدر تابع هوای نفسند گاهی از انبوه جمعیت تشییع کنندگان فیلم برداری می کنند و حتی از کیفیت دفن و آخرین هیئت متوفی در قبر فیلم برمی دارند و گل و لاله و شمع و چراغ در این راه به مقدار اسراف بکار می برند و با پوشیدن جامعه سیاه که فقط از نشان دادن سوگواری همین را زیاد اهمیت می دهند، خود را عزادار معرفی می نمایند اما هرگز به حقوق واجب متوفی نمی پردازند. پرداخت قرض و انجام وصیت میت و یا اجیر گرفتن برای انجام نماز و روزه متوفی و یا اجیر گرفتن برای انجام فریضه حج و... امتناع دارند و بدست فراموشی می سپارند.

اگر مطالعه بیشتری در آداب و سنن مردم به عنوان رسم مذهبی بنمائیم موارد زیادی را مشاهده می کنیم که تراحم بین کارهای واجب و مستحب و گاهی مکروه و حرام پیش می آید اما مردم بواسطه کشش های نفسی که دارند واجب را زیر پا می گذارند و به مستحب یا مکروه یا حرام می پردازند.

لذا امیر المومنین علیه السلام می فرماید: اذا اضرت النوافل بالفرائض فار فضوها هرگاه انجام نوافل زیان به کارهای واجب دارند آن نوافل را رها کنید.

در تمام ابعاد مسائل اجتماعی و در آداب و سنن مذهبی پایه همین است که انسان پیوسته با مقیاس شرع اهم را اهمیت داده و تا آن به انجام نرسیده، به مهم نپردازد. در انجام نوافل باید دستور العمل امیر المومنین علیه السلام را به حارت همدانی معیار قرار داد و به کار بست و این دستور العمل پیوسته راهنمای انجام نوافل و فرائض ما باشد. امام در نوشته ای که به حارت همدانی می نویسد، می فرماید: اطمع الله فی جمل امورک فان طاعة الله فاضلة علی ما سواها و خادم نفسک فی العبادة و ارفق بها و لا تقهرها و خذ عفوها و نشاطها الا ما کان مکتوبا علیها من الفریضه فانه لا بد من قضاتها و تعاهدها عند محلها و ایاک ان ینزل بک الموت و انت آیق من ربک فی طلب الدنیا. ⁽⁹⁹⁾

در تمام کارهای مطیع خدا باش. زیرا اطاعت خدا بر هر چیز مقدم است در مورد عبادات با نفس خویش از راه مورد علاقه و کشش او وارد شو! و او را به انجام عبادات با رفق و لطف وادار نما. مبادا به زور و با عدم تمایل وادارش کنی. هنگام فراغت و آمادگی و نشاط نفس را غنیمت شمار (از این فرصت برای انجام نوافل استفاده کن) البته در مورد واجبات چاره ای نیست باید با مراعات وقت آن انجام شود و انجام واجبات در چهارچوب مقررات شرعی باید باشد. مبادا مرگ گریبانت را بگیرد در حالی که از خدا گریزانی و به جستجوی دنیا پرداخته ای. در مجموعه ورام نقل می شود: اشخاصی که اهمیت به این قانون می دادند خیاط نخ را داخل سوزن می کرد همین که صدای منادی به الله اکبر بلند می شد، می گفت دیگر کار برکت ندارد باید به داعی خدا جواب داد. آهنگر پتک را بلند می کرد با صدای الله اکبر که اعلام اذان نماز بود از فرود

آوردن آن خودداری می کرد و می گفت باید به دستور خدا پرداخت و می فرمایند: من لم ياخذ باهبة الصلوة قبل وقتها لم يوقرها ما و قرت الصلوة من اخذ بالطهور بعد وقتها. (100)

امام می فرماید: هر کس قبل از فرا رسیدن وقت نماز خود را آماده نکرده باشد (از قبیل گرفتن وضو) نمازش را سنگین نشمرده یا می فرماید: نماز را بدست سبکی گرفته کسی که بعد از وقت نماز وضو می گیرد.

مسئله دیگری که در انجام نوافل قابل توجه است ادامه نوافل و انجام آنها بصورت یک عمل معمول و عادت ثانوی است زیرا اگر به صورت گاه گاه و تفننی، انجام شود. جزء وظائف مورد علاقه دائمی قرار نمی گیرد که در اینصورت حتی زیادش هم که بصورت گاه گاه باشد ارزشی ندارد به این روایت توجه کنید.

از امیر المومنین عليه السلام نقل می شود: قلیل تدوم علیه ارجی من کثیر مملول، کمی (از عبادات و نوافل) که بر آن ادامه داشته باشی بیشتر مایه امیدواری است تا زیادی که دل به آن نبندی و با علاقه انجام نشود.

جابر جعفی گفت از امام صادق عليه السلام شنیدم، می فرمود: پدرم پیوسته می گفت من دوست دارم عملی که خودم را به آن عادت داده ام پیوسته بر آن مداومت داشته باشم اگر شب نتوانستم آن عمل را انجام دهم روز قضا می کنم اگر روز نرسیدم شب قضا می کنم و و ان احب الاعمال الى الله ما ديم عليها فان الاعمال تعرض كل خميس و كل راس شهر و اعمال السنه تعرض في النصف من شعبان فاذا عودت نفسك عملا قدم عليه سنة.

محبوبترین عمل در نزد خدا عملی است که بر آن مداومت داشته باشی زیرا اعمال در هر پنج شنبه عرضه می شود و سر هر ماه و اعمال سالانه در نیمه

شعبان عرضه می شود ⁽¹⁰¹⁾ هرگاه خویشتن را به عملی عادت دادی یک سال بر آن مداومت داشته باش. ⁽¹⁰²⁾

در مورد تقدم واجبات و اهميت نوافل این حدیث که از محاسن برقی نقل می شود بسیار شایان توجه است.

عن ابی عبدالله عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله قال الله تعالى ما تحبب الي عبدی بشی احب الي مما افترضته عليه و انه ليتحبب الي بالنافله حتى احبه فاذا احببته كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی ینطق به و یده الذی یبطش بها و رجله الذی یمشی بها اذا دعانی احببته و اذا اسألنی اعطیته و ما ترددت فی شی انا فاعله کترددی فی موت المومن یکره الموت و انا کره مسائته. ⁽¹⁰³⁾

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند می فرماید: بنده من با چیزی خویشتن را مورد محبت من قرار نداده به اندازه واجبات، او بوسیله نوافل چنان نزد من محبوبیت پیدا می کند که او را دوست می دارم وقتی دوستش داشتم من گوش شنوا و چشم بینا و زبان گویا و دست گیرنده و پای پویای او می شوم ⁽¹⁰⁴⁾ هرگاه مرا بخواند جوابش را می دهم و اگر تقاضایی نماید به او عطا می کنم و در مورد چیزی برایم تردید حاصل نمی شود مانند تردیدی که در مورد مرگ مومن دارم او از مرگ خوشش نمی آید من هم نمی خواهم او را آزرده خاطر نمایم.

اینک ملاحظه کنید نافله چقدر کارگشای دنیا و آخرت انسان است که لازم می نماید برای انجام آن وقتی را گشود و مقداری از ساعات شبانه روز را به آن اختصار داد.

ابن ابی یعفور ⁽¹⁰⁵⁾ می گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم می فرمود: بنده ای از بندگان مومن مبتلا به گناهی بزرگ می شود که سزاوار عقوبتم در دنیا و آخرت

می گردد. من بواسطه صلاح او این عقوبت را در همین دنیا مقدر می کنم. تا کیفر آن گناه بشود یک گرفتاری و کیفری برایش مقدر می کنم (مثلا تصادف نماید و چند سالی با پای معیوب زندگی کند) این کیفری را که مقدر نموده ام معلق می گذارم و امضا و اجرای تقدیر را نمی کنم من اختیار در امضا و اجرای آن دارم. بنده ام هیچ اطلاعی از این جریانها ندارد بالاخره از اجرای این عقوبت صرف نظر می نمایم چون بنده ام خوشش نمی آید و من نیز پرهیز می کنم از اینکه او را ناراحت کنم بر او می بخشایم و از این کیفر چشم پوشی می کنم چون دوست دارم پاداش نافله های زیادی که جهت تقرب به من در شب و روز دارد بدهم با اینکه مقدر نموده ام در صورتی که بخواهم می توانم امضا و اجرای آن را بنمایم. اما اگر او به این بلا مبتلا می شد در مقابل چنین بلایی اجر و پاداش عظیمی برایش در نظر گرفته بودم. آن اجر و پاداش را با مقدار زیادتری برای آخرتش ذخیره می کنم یا اینکه بنده من نه از عقوبت و نه از پاداش و این تغییر هیچ آگاهی ندارد و چنین آگاهی ندارد و چنین بلایی هم به او اصلا نرسیده من خداوند کریم و رؤوف رحیم او هستم.

باید دستور العمل زیر را به مردم تعلیم داد و خود نیز از آن استفاده نمایم که در راه عبادت و بندگی لازم نیست تا حد افراط مشغول شویم گاهی دیده می شود بعضی آنقدر به نوافل می پردازند که جایی برای پرداختن به سایر آداب از قبیل معاشرت با اخوان و پرداختن به صلّه رحم و زیارت برادران دینی و... نمی گذارند با اینکه ما در مورد عبادت دستور داریم که مراعات اقتصاد و میانه روی را نمایم امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم فرموده است :

ان هذا الدين متين غاوغلوا فيه برفق و لا تکرهوا عبادة الله الی عباد الله فتکونوا کالراکب المنبت الذی لا سفر قطع و لا ظهرا ابقی. (106)

این دین متین و استوار است با نرمی و آرامی سیر نهایی خود را در رسیدن به مقامات عالیه دین طی کنید مبادا مردم را از عبادت خدا بیزار نمایید که در این صورت نه به مقصد رسیده اید و مرکب خود را چنان خسته نموده اید که یارای سواری ندارد.

در روایت دیگری است که خطاب به امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: و لا تبغض الی نفسک عبادة ربک. مبادا کاری کنی که نفست از عبادت خدا بیزار شود.

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ایمان بر هفت سهم تقسیم می شود بعضی از مسلمانها یک سهم دارند برخی دو سهم کسانی نیز هستند که دارای هفت سهم می باشند. از این رو شایسته نیست کسی که دو سهم دارد بار شخص سه سهمی بر او تحمیل شود همینطور تا هفت سهمی. آنگاه مثالی آوردند فرمود: شخصی در همسایگی او مردی نصرانی بود. مسلمانی او را دعوت به اسلام کرد مزایای ایمان آوردن را برایش تشریح نمود. نصرانی پذیرفته ایمان آورد سحرگاه مسلمان در خانه نصرانی تازه مسلمان رفت در را کوبید همسایه بیرون آمد گفت: برخیز وضو بگیر تا با هم به مسجد برویم و نماز بخوانیم آن مرد وضو گرفت لباسهایش را پوشید و با او به مسجد رفت قبل از نماز صبح مسلمان هرچه خواست نماز خواند او هم از رفیق خود پیروی نمود نماز صبح را که خواندند پس از آن نشستند تا آفتاب سر زد.

نصرانی تازه مسلمان خواست به خانه اش برگردد مسلمان گفت: کجا می روی روز کوتاه است بمان تا نماز ظهر را نیز بخوانیم تا بعد از نماز ظهر ماند بعد گفت: بین ظهر و عصر چندان فاصله ای نیست او نگاهداشت تا نماز عصر را نیز خواند، خواست از جا حرکت کند گفت: از روز چیزی نمانده نزدیک

غروب است باز نگاهش داشت تا نماز مغرب را هم خواندند بعد گفت : نماز
عشاء وقتش نزدیک است یک نماز دیگر مانده آن را هم بخوانیم بعد خواهی
رفت پس از انجام نماز عشاء از یکدیگر جدا شدند.

روز بعد هنگام سحر باز در خانه او رفت به نصرانی تازه مسلمان گفت :
حرکت کن برای نماز به مسجد برویم پاسخ داد: من فقیر و عیالمندم برای این
دین کسی را پیدا کن که از من فارغتر باشد حضرت صادق علیه السلام فرمود: به این
وسیله داخل در دینش نمود و با این کار خود (از روی زیاده روی و تحمیل بی
جا) از دین بیرونش کرد. (107)

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم به من توجه نمود که در حال طوافم آن وقت
جوانی بودم که بسیار کوشش در عبادت داشتم. پدرم دید که عرق ریختم فقا یا
جعفر ان الله اذا احب عبدا ادخله الجنة و رضی عنه بیسر فرمود: جعفر! خداوند
وقتی بنده ای را دوست داشته باشد او را وارد بهشت می کند و از او به کم
راضی است.

چنانچه قبلا نیز توضیح داده شد تقدیم اهم و انجام واجب ضروری است اما
نوافل پلکان ارتقاء بدرجات و تقرب به خدا است.

موسی حناط گفت : من و جمیل بن دراج و عائذ احمسی برای انجام حج
می رفتیم، عائذ پیوسته می گفت : خدمت امام صادق که برسیم یک سوال دارم
باید از ایشان پیرسم.

بالاخره خدمت امام رسیدیم همین که نشستیم قبل از سوال فرمود: من اتی
الله بما افترض علیه لم یساءله عما سوی ذلک هر کس واجبات خدا را انجام
دهد از او بازخواست از چیز دیگری نخواهد کرد در این موقع عائذ چشمکی به
ما زد.

وقتی از خدمت امام مرخص شدیم به عائد گفتیم چرا سوال خود را نکردی؟ گفت همان فرمایشی که فرمود جواب سوال من بود. من آدمی هستم که طاقت قیام شب و شب زنده داری را ندارم، می ترسیدم با این کوتاهی مقصر باشم و گناهکار و هلاک شوم (که امام عَلَيْهِ السَّلَام جوابم را داد قبل از سوال) ولی با تمام این اوصاف چنانکه از روایات و آیات و وقایع عملی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام معلوم شد نباید در صورت امکان خود را قانع به فرائض تنها نمود. زمین افتخار می کند بر اینکه بر پشت او امروز یک مومن ذاکر گذشته.

به این روایت توجه کنید.

عن النبي في وصيته له يا اباذر مامن رجل جعل جبهته في بقعة من بقاع الارض الاشهد له بها يوم القيامة و مامن منزل ينزله قوم الا و اصبح ذلك المنزل يصلى عليهم او يلعنهم. يا اباذر مامن رواح الا و بقع الارض ينادي بعضها بعضا يا جراه هل مر عليك اليوم ذاکر لله او عبد وضع جبهته ساجدا لله تعالى فمن قائله لا و من قائله نعم فاذا قالت نعم اهتزت و انشرحت و تری ان لها الفضل علی جارتها. (108)

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اباذر فرمود: کسی نیست که پیشانی بر زمین بساید در سجده مگر اینکه آن زمین روز قیامت برایش گواهی می دهد در هیچ منزلی گروهی فرود نمی آیند مگر اینکه یا آن منزل بر آنها صلوات و درود می فرستد و یا آنها را لعنت می کند.

اباذر! در هر صبحگاه زمین ها یکدیگر را مخاطب قرار می دهند و به هم می گویند: همسایه! آیا امروز یک ذاکر خدا و با کسی که پیشانی بر زمین برای سجده نهاده باشد در روی تو گذر کرده. بعضی می گویند نه و برخی جواب می دهند: آری. وقتی جواب داد آری یک شادی و خوشحالی در آن حال در خود

احساس می کند که بر همسایه خود به مرور یک ذاکر یا ساجد فضیلت و برتری دارد.

بخش پنجم : سجده شکر

الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار. (ال عمران 191)

عبادت و بندگی در پیشگاه پروردگار به صورت های مختلف انجام می شود. چنانکه از آیه بالا فهمیده می شود، آنان که ایستاده و نشسته و یا به پهلو آرمیده خدا را یاد می کنند و در همه این احوال به آفرینش آسمانها و زمین و هدف این آفرینش اندیشه می نمایند. می گویند خداوند! این جهان را بیهوده نیافریده ای ما را از عذاب آتش ننگه دار.

به هر صورت قیام، قعود، رکوع و سجود. از شکل های معمولی عبادت است که بنده به این صورت ها اظهار خشوع و بندگی می نماید اما ای صورت های مختلف بوسیله نیت جنبه عبادی پیدا می کند. مثلا انسان برای تناول چیزی و یا تماشای محلی یا انتظار شخص یا چیزی و... به قیام می پردازد گاهی نیز در راه خدا قیام دارد برای عبادت.

قعود نیز از افعال مشترک است برای مطالعه می نشیند برای آسایش از کارهای سخت روزانه با نشستن به استراحت می پردازد و... برای خدا هم در حال تشهد یا خواندن دعاهای دیگر می نشیند.

رکوع هم از حالات مشترک زندگی است گاهی برای چیدن گل خم می شود، گاهی برای برداشتن چیزی از زمین قامت راست خود را تا می کند و... و گاهی برای عبادت خدا به رکوع می رود.

اما حال سجده با شکل خاص آن که پیشانی بر زمین بنهد در پیشگاه خدا به خاک بیافتد از شکل های خاص عبادت و بندگی خدا است و به آن صورت با

کار و عمل دیگر اشتراک ندارد. این نوع تواضع و تذلل و کوچکی برای هیچ کس جز خدا جایز نیست.

امام صادق علیه السلام می فرماید: السجود منتهی العبادۃ من بنی آدم. ⁽¹⁰⁹⁾ سجده نهایت حالت بندگی انسان در پیشگاه خدا است.

پس سجده مهمترین و نهایی ترین شکل و قواره بندگی خدا است باید توجه به این عبادت بیشتر شود.

چون سجده نهایی ترین شکل بندگی و عبادت است به همین جهت در اسلام برای غیر خدا این عمل حرام شده و کسی نمی تواند برای غیر خدا سر به سجده نهد. اگر ملائکه مأمور به سجده بر آدم علی نبینا و علیه الصلوة و السلام شدند نه این است که آدم را سجده نمودند بلکه سجده به دستور خدا سجده خدا است نه آدم. سجده فرزندان یعقوب در مقابل یوسف نیز برای شکر خدا است بر نعمت سلامتی و اجتماع همه برادران در مقابل پدر و مادر و رفع ابویه علی العرش و خروا له سجدا ⁽¹¹⁰⁾ پدر و مادرش را بر تخت نشاند و برادران در مقابل یوسف سجده افتادند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: ان سجودهم ذلک عبادۃ الله ⁽¹¹¹⁾ این سجده آنها عبادت خدا بود.

شیطان امتناع از سجده بر آدم نمود، چون از تکبر مایل نبود حتی به دستور خدا هم چنین تذلل و کوچکی را بنماید لذا برای اینکه خود را معاف بدارد پیشنهاد سجده را به صورت دیگری کرد گفت: یا رب و عزتک ان اعفیتنی من السجود لادم لا عبدنک عبادۃ ما عبدک احد قط مثلها قال الله جل جلاله انی احب ان اطاع من حیث ارید. ⁽¹¹²⁾

خدایا! اگر مرا از سجده بر آدم معاف کنی چنان عبادتی کنم که احدی تاکنون نکرده باشد. خداوند فرمود من دوست دارم به همان صورتی که من می خواهم پرستش شوم. (نه به صورتی که تو مایل هستی)

امام صادق علیه السلام می فرماید: نزدیکترین حالت بنده به خدا همان حال سجده است. اقرب ما یکون العبد الی الله و هو ساجد باک ⁽¹¹³⁾

نزدیکترین حالت بنده به خدا حال سجده است که اشک می ریزد.

در روایت دیگری می فرماید: اقرب ما یکون العبد الی الله و هو ساجد فادع و اسأله الرزق ⁽¹¹⁴⁾ نزدیکترین حال بنده به خدا حال سجده است. در آن حال خدا را بخوان و تقاضای روزی کن.

خداوند به موسی کلیم الله گفت انتخاب تو به علت نهایت تواضع تو بود می فرماید: موسی! می دانی چرا تو را از میان خلقم به نبوت و هم صحبتی با خود برگزیدم عرض می کند نه یا رب! می فرماید من در میان بندگان خود توجه کردم از تو متواضع تر نسبت به خود نیافتم.

حضرت موسی به سجده افتاد و دو طرف صورت خویش را بر خاک مالید بواسطه اظهار بندگی و تذلل. خداوند فرمود: موسی! سر بردار دست خویش را بر محل سجده بمال و آن دست را بر صورت و بدن خویش بکش که امان از هر بیماری یا درد و آفت و ناراحتی است. ⁽¹¹⁵⁾

اثر سجده طولانی

مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی می نویسد: من استادی داشتم بزرگوار، عارف، عامل و کامل (مراد آخوند ملا حسینقلی همدانی است) که نظیر او را ندیده ام از او درباره عملی که مجرب و در اصلاح قلب و تحصیل معارف موثر باشد سوال کردم در پاسخ فرمود: برای این امر هیچ کاری مانند مداومت بر یک

سجده طولانی در هر شبانه روز یک مرتبه، که در آن لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین گفته شود نیست.

انسان این ذکر را بگوید در حالی که خود را در زندان طبیعت زندانی و مقید به قید و بندهای این اخلاق رذیله ببیند و اقرار داشته باشد که خدایا تو مرا گرفتار این پستیها نکردی و در حق من ظلم روا نداشتی و تنها من به خویشتن ستم کردم.

مرحوم ملکی ادامه می دهد اصحاب و شاگردان او به این دستور عمل می کردند و بعضی از آنها این ذکر را سه هزار مرتبه در سجده می گفتند و خلاصه این سجده برکاتش نزد علاقه مندان آن معروف است ولی به شرط آن که بر آن مداومت شود استادم به خواندن صد مرتبه سوره قدر (انا انزلناه) در شب و عصر جمعه نیز امر فرمودند. (116)

مرحوم میرزا جواد ملکی در پاسخ نامه ای که به عنوان علامه محمد حسین کمپانی اصفهانی می نویسد (117) یک قسمت آن مربوط به همین سجده است از قول استاد خود ملا حسینقلی همدانی نقل می کند که فرمود شب زنده داری زمستانها سه ساعت و تابستانها یک ساعت و نیم و می فرماید من در سجده ذکر یونسیه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین خیلی اثرها دیدم.

نویسنده کتاب در این فکر بود چرا این ذکر در سجده دارای این همه اثر است در حین مطالعات خود دیدم امیر المومنین علیه السلام فرمودند احب الکلام الی الله تعالی ان يقول العبد و هو ساجد: انی ظلمت نفسی فاغفر لی ثلاثا محبوبترین کلام در نزد خداوند این است که بنده در حال سجده سه مرتبه بگوید خدایا من به خویشتن ظلم کردم مرا ببخش. (118)

با توجه به این فرمایش امیر المومنین و مخصوصا اینکه یونس بن متی عنه السلام این ذکر را در دل امواج متلاطم دریا در زندان شکم ماهی پیوسته بر زبان داشته و خداوند در این آیه نیز می فرماید «و کذلک نجی المومنین» ⁽¹¹⁹⁾ همین طور که یونس را نجات دادیم مومنین را نیز نجات خواهیم داد اثر این ذکر معلوم می شود.

در تفسیر نمونه از (تفسیر درالمنثور) پیامبر اکرم نقل شده است که فرمود یکی از نامهای خدا که هر کس او را به آن نام بخواند به اجابت می رسد و هر که به آن چیزی طلب کند به او می دهد دعای «یونس» است شخصی عرض کرد: ای رسول خدا آیا آن مخصوص یونس بود یا شامل همه مسلمانان نیز می شود؟ فرمود مربوط به یونس بود و هم همه مومنان که خدا را به آن بخوانند آیا گفتار خداوند را در قرآن که می فرماید «و کذلک نجی المومنین» ندیده ای این دلیل بر آن است که هر کس چنین دعایی کند خداوند اجابت آن را تضمین کرده. ⁽¹²⁰⁾

این توضیحی بود که سجده مطلق و به خاک افتادن در پیشگاه خداوند به حالت سجده، بهترین نشانه بندگی و تواضع است.

اما سجده در رساله های عملیه به پنج قسم تقسیم می شود 1. سجده نماز 2. سجده قضا 3. سجده سهو 4. سجده تلاوت 5. سجده شکر.

کیفیت چهار نوع اول را باید از رساله عملیه به دست آورد اما در مورد نوع پنجم سجده شکر در منتخب حسنی می نویسد: بهتر است که دو سجده بجا آورد با فاصله از یکدیگر با گذاشتن گونه بر خاک به همین جهت می فرمایند «سجدة الشکر» دو سجده شکر در بحار الانوار می نویسد: ⁽¹²¹⁾ سلیمان بن

حفص می گوید حضرت ابوالحسن برایم نوشت در سجده شکر صد مرتبه بگوید شکر و در صورت تمایل صد مرتبه هم می گویی عفو.

از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند سجده بعد از نماز واجب برای شکر است بر اینکه توفیق انجام نماز واجب را پیدا کرده کمترین ذکر لازم، این است که سه مرتبه بگوید: شکر الله گفتم یعنی شکر الله چیست فرمود: شکر می کند که خدا توفیق انجام نماز واجب را به او داده این شکر است که موجب افزایش توفیق می شود اگر در نماز کوتاهی داشته باشد که با نافله جبران نشود با این سجده جبران می شود. (122)

مواردی که شایسته است انسان سجده شکر بجا آورد از روایت حضرت باقر علیه السلام فهمیده می شود. می فرماید: پدرم علی بن الحسین به یاد هر نعمتی از خدا بر خود می افتد سجده می کرد و به هر آیه از قرآن که در آن سجده بود می رسید سجده می کرد، هر گرفتاری که خداوند از او برطرف می نمود یا نقشه بدی که برایش ترتیب داده بودند از میان می رفت، به سجده می افتاد. بعد از هر نماز واجب سجده می کرد، هرگاه موفق به اصلاح بین دو نفر می شد به سجده می رفت. آثار سجده در تمام سجده گاههای بدنش مشهود بود. به همین جهت سجاد لقب یافت. (123)

امام صادق علیه السلام در مورد ثواب این سجده می فرماید: هر مومنی که سجده شکر نعمت را در غیر نماز واجب انجام دهد، خداوند برایش ده حسنه می نویسد: و ده سیئه از نامه عملش محو می کند و ده درجه در بهشت برایش می افزاید. (124)

اهمیت این سجده در تمام حالات شبانه روز از این روایت مشهود است که اسحاق بن عمار گفت با حضرت صادق علیه السلام از خانه خارج شدیم آن جناب با

خود صحبت می کرد بعد رو به جانب قبله نمود و سجده طولانی کرد. سپس گونه راست خود را به مدت طولانی بر زمین نهاد بعد دست بر صورت خویش مالید و سوار مرکب شد.

گفتم پدر و مادرم فدایت کاری کردی که من تاکنون ندیده بودم انجام دهی؟ فرمود: اسحاق! به یاد یکی از نعمتهای خدا بر خود افتادم، خواستم تواضع و تذلل نمایم سپس فرمود: اسحاق! خداوند به بنده ای نعمتی ارزانی نمی دارد مگر اینکه با قلب خود آن نعمت را بشناسد و به حمد و ستایش خدا با صدای بلند پردازد همینکه حمد و ستایش خدا را کرد خداوند امر می کند در دو جهان نعمتش را افزون کنند. (125)

ابراهیم بن عبدالحمید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که به شخصی فرمود: هر گاه گرفتار یک ناراحتی شدی دست بر محل سجده خود بکش بعد دست خود را به جانب چپ صورت بگذار و بمال تا طرف راست، بعد سه مرتبه بگو: بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم و الحزن. (126)

روایت شده که هر کس در حال سجده بگوید «یا رباه یا سیداه» تا نفسش قطع شود صدایی بلند می شود حاجت خود را بخواه که مستجاب است. (127)

در روایت دیگری می فرماید سه مرتبه بگو «یا الله». (128)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذرش به شخصی افتاد که در حال سجده بود و چنین دعا می کرد یا رب! ماذا علیک ان ترضی عنی کل من کان له عندی تبعه و ان تغفر ذنوبی و ان تدخلنی الجنه برحمتک فانما عفوک عن الضالمین و انا من الظالمین فلتسعنی رحمتک یا ارحم الراحمین خدایا چه می شود که به هر کس من بدی و ستمی روا داشته ام او را از من راضی کنی و

گناهانم را ببخشی و مرا به رحمت خود وارد بهشت نمایی خدایا تو ستمکاران را می ببخشی من نیز از ستمکارانم مرا مشمول رحمت خویش فرما یا ارحم الراحمین!

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: سر بردار دعایت مستجاب شد تو همان دعایی را خواندی که پیامبر زمان عاد خدا را به آن خواند. (129)

امام صادق علیه السلام می فرماید بنده اگر در حال سجده بگوید «یا رب یا رب» تا نفسش قطع شود، خداوند (تبارک و تعالی) می فرماید «لیبک ما حاجتک» اجابت می کنم حاجت خود را بخواه. (130)

این دعا نیز برای رفع گرفتاری و بیماری و بر آمدن حاجت وارد شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی نمازت را تمام کردی دست بر محل سجده خود بکش و این دعا را بخوان و دست خود را بر محل درد و ناراحتی از بدنت هفت مرتبه بمال و بگو:

یا من کبس الارض علی الما و سد الهوا بالسما و اختار لنفسه احسن الاسما
صل علی محمد و آل محمد و افعل کذا و کذا و ارزقنی کذا و کذا و عافنی من
کذا و کذا. (131)

اهمیت سجده شکر و مزایای آن از روایت حضرت صادق علیه السلام کاملاً پیدا است: سجده شکر بر هر مسلمانی واجب است بوسیله آن نمازت تکمیل می شود و خدا را خشنود می کنی و ملائکه از تو تعجب می کنند وقتی بنده ای بعد از نماز به سجده شکر می پردازد خداوند حجاب بین او و ملائکه را برطرف می نماید. «وقتی ملائکه آن بنده را در حال سجده دیدند» خداوند می فرماید:

ملائکه من تماشا کنید این بنده ام را که دستور واجبم را انجام داد و عهدم را کامل کرد آنگاه به سجده شکر پرداخت بواسطه نعمتی که من به او ارزانی داشته

ام. شما می گویند در قبال این کار با او چه معامله کنیم؟ ملائکه می گویند خدایا! او را مشمول رحمت خویش بفرما. خداوند می فرماید غیر از آن چه کنم؟ عرض می کنند او را داخل بهشت بفرما! خداوند می فرماید پس از این چه کنم؟ ملائکه می گویند خدایا گرفتاریش را برطرف فرما! باز می فرماید دیگر چه؟ ملائکه هر پیشنهاد خیری هست برای او می کنند باز می فرماید ملائکه من دیگر چه؟ می گویند یا ربنا لا علم لنا قال فبقول تبارک و تعالی اشکر له کما شکر لی و اقبل الیه بفضلی واریه وجهی.

ملائکه می گویند خدایا! دیگر ما نمی دانیم چه پیشنهاد کنیم خداوند می فرماید همانطوری که او سپاس نعمت مرا داشته من هم سپاس بندگی او را بدارم به او روی می آورم با فضل خود و چهره خویش را برایش می گشایم. در ذیل این خبر علامه مجلسی (رضوان الله علیه) می نویسد: این خبر در سایر کتب نیز به سند صحیح نقل شده و وجوب سجده در این خبر تاءکید بر استحباب است. بعد می نویسد منظور از (اریه وجهی) چهره ام را به او نشان می دهم در همه کتاب ها به همین صورت است مگر در تهذیب که «واریه رحمتی» است رحمتم را به او نشان می دهم.

اما صدوق در من لا یحضر ج 1 ص 220 بعد از ذکر خبر می نویسد هر کس خداوند را دارای صورت بداند مانند صورت های این و آن، کافر و مشرک است وجه الله انبیاء و ائمه (علیهم السلام) هستند. آنهایند که بندگان با توجه به ایشان راه به در خانه خدا و معرفت او پیدا می کنند. دیدار چهره معصومین در روز قیامت ثواب عظیم دارد مافوق تمام ثوابها. خدا در قرآن کریم می فرماید کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام در آیه دیگر می فرماید فاینما تولوا فثم وجه الله. یعنی هر جا روی آورید آنجا محل توجه به خدا است.

علامه مجلسی می نویسد ممکن است منظور از وجه ذات مقدس خدا باشد
یعنی معرفت کامل پیدا کردن یا دیدن ثواب خدا باشد. (132)

ابن عباس گفت: دیدم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پنج مرتبه بدون رکوع به سجده رفت
گفتم آقا! پنج سجده بدون رکوع فرمود: آری جبرئیل بر من نازل شد و گفت
خداوند می فرماید: یا محمد! ان الله «عزوجل يحب عليا» خداوند عزوجل علی
را دوست دارد. به سجده رفتم (برای شکر این نعمت) و سر برداشتم باز به من
گفت خداوند فاطمه را دوست دارد و برای مرتبه دوم به سجده رفتم باز گفت
خداوند حسن را دوست دارد باز به سجده رفتم برای چهارمین بار گفت خداوند
حسین را دوست دارد به سجده رفتم و سر برداشتم باز جبرئیل گفت ان الله
يحب من احبهم فسجدت و رفعت راسي (133) خداوند هر که آنها را دوست داشته
باشد دوست می دارد باز به سجده رفتم و سر برداشتم.

در کافی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که می فرمود: هر گاه یکی از شما به
یاد نعمتی از نعمتهای خدا افتاد چهره خود را به خاک بگذارد و برای شکر خدا
گونه را بر خاک نهد و خدا را حمد نماید بر نعمتی که بر او ارزانی داشته است.
(134)

امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام برای نجات دوستان خود سجده شکر می کند. فضل بن
ربیع می گوید از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام راجع به سجده شکر امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام
پرسیدم فرمود: پیامبر اکرم ایشان را در پی مأموریتی فرستاد در این رابطه رنج
زیادی تحمل کرد بالاخره (با موفقیت) برگشت موقعی رسید که رسول خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای انجام نماز به مسجد رفته بودند. نماز را پشت سر ایشان خواند. بعد
از نماز خدمت ایشان رسید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را در آغوش گرفت کیفیت
مأموریت را سوال کرد.

امیر المومنین علیه السلام شروع به توضیح جریان کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از شرح جریان بسیار خوشحال شد پس از تمام شدن شرح جریان فرمود علی جان! یک بشارتی به تو بدهم.

فرمود هم اکنون هنگام اذان ظهر جبرئیل بر من نازل شد گفت اینک پسر عمویت علی از راه خواهد رسید. در راه خدا گرفتاری زیادی دیده و چنین و چنان شده تمام آنچه توضیح دادی برایم نقل کرد بعد گفت :

یا محمد! و نجی من تولى علیا و زیرک فی حیاتک و وصیک عند فانک لعلی و نجا علی بک و نجوت انت بالله عزوجل.

ای محمد هر که چنگ به دامن علی وزیر در حیات و وصی بعد از مرگت زد نجات یافت علی به وسیله تو و تو به وسیله خدا نجات یافتی. یا محمد خداوند تو را سرور انبیاء و علی را سرور اوصیاء قرار داد و بهترین آنها و ائمه را از نژاد شما دو تا قرار داد تا وارث زمین و ساکنان آن شوند و سجد علی صلوات الله علیه و جعل یقبل الارض شکرا لله تعالی....

علی علیه السلام به شکرانه این نعمت به سجده افتاد (لازم به تذکر است که در سجده ائمه علیهم السلام و پیشوایان دین را دعاهایی با مضامین بسیار عالی هست که به بعضی از آنها می پردازیم شاید توفیق خواندن آن دعاها را در سجده پیدا کنیم.) ابتدا دعای سجده حضرت رسول صلی الله علیه و آله از کتاب «اختیار ابن الباقی» نقل می شود ⁽¹³⁵⁾ خدیجه کبری فرمود پیامبر اکرم در خانه ما بود دیدم بر زمین افتاده و می گوید سجدلک سوادى و آمن به فوادى رب هذا یدای و ما جنبت علی نفسى یا عظیما یرجى لکل عظیم اغفرلى الذنوب العظیمه بعد فرمود جبرئیل به من این دعا را آموخت و گفت این کلمات را بگویم تو نیز در سجده خود بگو و

من قالها فی سجوده لم رفع راسه حتی یغفر له هر کس در سجده خود این ذکر را بگوید سر بر نمی دارد مگر اینکه خدا او را می آمرزد.

در کمال الدین ابو نعیم انصاری از حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل می کند فرمودند: امیر المومنین صلوات الله علیه در سجده شکر چنین می گفت: یا من لا یزیده الحاح الملحین الا جودا و کرما یا من له خزائن السموات و الارض یا من له مادیق و جل لا یمنعک اساءتی من احسانک انی استلک ان تفعل بی ما انت اهله و انت اهل الجود و الکرّم و العفو یا الله یا الله یا الله افعّل بی ما انت اهله فانت قادر علی العقوبه و قد استحققتها لا حجة لی و لا عذر لی عندک. ابوء الیک بذنوبی کلها و اعترف بها کی تعفو عنی و انت اعلم بها منی بوت الیک بكل ذنب اذنبته و بكل خطیئة اخطأتها و بكل سیئه عملتها یا رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاکرم. (136)

این دعای دیگر از امیر المومنین بسیار عالی و آموزنده است.

در قرب الاسناد می نویسد: امیر المومنین ع در حال سجده چنین می گفت:

اللهم انی اعوذبک ان تبتلیننی ببلیة تدعوننی ضرورتها علی ان اتغوث بشی من معاصیک اللهم و لا تجعل لی حاجة الی احد من شرار خلقک و لئامهم فان جعلت بی حاجة الی احد من خلقک فاجعلها الی احسنهم وجهها و خلقا و اسخاهم بها نفسا و اطلقهم بها لسانا و اسمحهم بها کفا و اقلهم بها علی امتنانا (137)

باز در سجده می گفت ارحم ذلی بین یدیک و تضرعی الیک و وحشتی من الناس. (138)

باز در سجده می گفت : و عظمتی فلم اتعظ و زجرتنی عن محارمک فلم
انزجر و غمرتني (ایادیک) فما شكرت عفوک عفوک یا کریم اسالک الراحة عند
الموت و اساءلک العفو عند الحساب. (139)

امام صادق علیه السلام فرمود: من رختخواب پدرم را پهن می کردم و منتظر می
شدم تا بیاید و به استراحت پردازد یک شب هر چه منتظر شدم نیامد از پی
ایشان به مسجد رفتم دیدم پدرم در مسجد به سجده رفته و هیچکس در مسجد
نیست ناله اش را شنیدم که می گفت :

سبحانک اللهم انت ربی حقا حقا سجدت لک تعبدا و رقا اللهم ان عملی
ضعیف فضاعفه لی اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک و تب علی انک انت
التواب الرحیم. (140)

علامه مجلسی (رضوان الله) علیه می نویسد دعای زیر را کلینی و صدوق و
شیخ و دیگران نقل کرده اند که عبدالله بن جندب از حضرت موسی بن جعفر
درخواست کرد که در سجده چه بگویم اصحاب دعاهاى مختلف نقل می کنند
فرمود در حال سجده چنین بگو:

اللهم اشهدک و کفی بک شهیدا و اشهد ملائکتک و انبیاءک و رسلک و جمیع
خلقک بانک انت الله ربی و الاسلام دینی و محمد نبی و علی ولی و الحسن و
الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر
و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف
الصالح صلواتک علیهم اجمعین ائمتی بهم اتولی و من عدوهم اتبرء.

اللهم انی انشدک دم المظلوم ثلاثا اللهم انی انشدک بواءیک علی نفسک
لاولیائک لتظفرنهم علی عدوک و عدوهم ان تصلى علی محمد و علی
المستحفظین من آل محمد ثلاثا و می گویی اللهم انی انشدک بواءیک علی

نفسک لا عدائک لتخزینهم بایدیهم وایدی المومنین ان تصلى على محمد و آل محمد و على المستحفظین من آل محمد ثلاثا و تقول اللهم انى اسئلك اليسر بعد العسر ثلاثا

سپس طرف راست صورتت را روی زمین می گذاری و می گویی یا کهنفی حین تعینی المذاهب و تضیق الارض بما رحبت و یا بارى خلقى رحمة لى و كان عن خلقى غنيا صل على محمد و آل محمد و على المستحفظین من آل محمد سه بار باز طرف چپ صورت خود را روی زمین می گذاری و می گویی: یا مدل کل جبار و یا معز کل ذلیل قد و عزتک بلغ مجهودى ففرج عنى سه بار سپس می گویی یا حنان یا منان یا کاشف الكرب العظام سه بار باز سر به سجده می گذاری و می گویی: شکرا شکرا صد مرتبه می گویی یا سامع الصوت یا سابع القوت یا بارى النفوس بعد الموت صل على محمد و آل محمد و افعل بى کذا و کذا.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر تو را ناراحتی شدیدی روی آورد روی زمین صورت بگذار و بگو یا مدل جبار یا معز کل ذلیل قد و حقک بلغ مجهودى فصل على محمد و آل محمد و فرج عنى. ⁽¹⁴¹⁾

نمونه ای از سجده های طولانی پیشوایان دین و اصحاب گرام آنها: حضرت رضا علیه السلام در سجده: اسماعیل بن بزيع ⁽¹⁴²⁾ نقلی کرد که بکیربن صالح از سلیمان بن جعفر جعفری نقل کرد ما دو نفری رفتیم خدمت حضرت رضا علیه السلام ایشان را در حال سجده شکر دیدیم، سجده های طولانی کرد، بعد سر برداشت گفتیم آقا! چه سجده طولانی؟! فرمود هر که در سجده شکر این دعا را بخواند مثل کسی است که در جنگ بدر به حمایت از رسول الله تیر اندازی به

دشمن کرده گفتیم آقا! بفرمایید یادداشت کنیم فرمود بنویسید در حال سجده
شکر بگو:

اللهم العن الذين بدلا دينك و غيرا نعمتك و اتهما رسولك ﷺ خالفا ملتك
و صدا عن سبيلك و كفرا الاءك و ردا عليك كلامك و استهزاء برسولك و قتلا
ابن نبيك و حرفا كتابك و جحد آياتك و سخرا باياتك و استكبرا عن عبادتك
و قتلا اولياءك و جلسا فى مجلس لم يكن لهما بحق و حملا الناس على اکتاف
آل محمد عليهم الصلوات و السلام. اللهم العنهما لعنا يتلو بعضهم بعضا و
احشرهما و اتباعهما الى جهنم زرقا. اللهم انا نتقرب عليك باللعنة عليهما و
البراءة منهما فى الدنيا و الاخرة. اللهم العن قتله امير المومنين و قتله الحسين بن
على بنت رسولك اللهم زدهما عذابا فوق العذاب و هوانا فوق هوان و ذلا فوق
ذل و خزيا فوق خزي اللهم دعهما فى النار دعا و اركسهما فى اليم عذابك ركسا
اللهم احشرهما و اتباعهما الى جهنم زمرا اللهم فرق جمعهم و شتت امرهم و
خالف بين كلمتهم و بدد جماعتهم و العن ائمتهم و اقتل قاداتهم و سادتهم و
كبراءهم و العن رؤ ساءهم و اكسر، رايتهم و الق الباس بينهم و لا تبق منهم ديارا
اللهم العن ابا جهل و الوليد لضا يتلو بعضه بعضا و يتبع بعضه بعضا اللهم العنهما
لعنا يلعنهما به كل ملك مقرب و كل نبي مرسل و كل مومن امتحنت قلبه للايمان
اللهم العنهما لعنا يتعوذ منه اهل النار و من عذابهما اللهم العنهما لعنا لا يخطر
لاءحد ببال اللهم العنهما فى مستسر سرک و ظاهر علانيتك و عذبيهما عذابا فى
التقدير و فوق التقدير و شارك معهما ابنتيهما و اشياعهما و محبيهما و من
شايعهما انك سميع الدعاء. (143)

يکى از نشانه های بندگی و تقرب به خداوند باقیماندن اثر سجده بر مواضع
سجود مخصوصا پیشانی است. که امير المومنين عليه السلام مى فرمود: انى لا کره

للرجال ان تكون جبهته جلقاء ليس فيها شي من اثر السجود وبسط راحته انه يستحب للمصلي ان يكون ببعض مساجده شي من اثر السجود فانه لا يا من ان يموت في موضع لا يعرف فيحضره المسلم فلا يدري على ما يدفنه.

فرمود: من خوش ندارم که پیشانی خالی از اثر سجده باشد آنگاه امام صادق دست خود را گشود فرمود مستحب است نمازگزار در بعضی از مواضع سجده اش آثاری از سجده باشد زیرا ممکن است در محلی از دنیا برود که او را شناسند. مسلمانی اگر کفالت دفنش را بکند نمی داند چگونه او را دفن نماید⁽¹⁴⁴⁾ (به آداب اسلام یا به صورت دیگر چون اثری از سجده بر پیشانی او نیست).

در قرآن کریم پیروان حضرت محمد ﷺ مورد ستایش خدا قرار می گیرند با همین علامت به این آیه توجه کنید:

محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله و رضوانا سيماهم في وجوههم من اثر السجود.⁽¹⁴⁵⁾

محمد پیامبر خدا است کسانی که با او هستند در برابر کفار شدید و محکم هستند با برادران ایمانی خود رحیم و مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجده می بینی که از خدای خود تقاضای فراوانی نعمت و خشنودی او را می نمایند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است.

در این آیه پنج صفت برای یاران پیامبر بیان می فرماید: اول «اشداء علی الکفار» تند و تیز بودن در مقابل کفار دون: رحم و محبت با دوستان «رحماء بينهم» سوم: عبادت، مخصوصا نماز (در حال رکوع و سجده بودن) «تریهم رکعا سجدا» چهارم: که نشانه دل پاک و نیت صاف آنها است از خدا تقاضای فضل و رضوانش را می نمایند «یبتغون فضلا من الله و رضوانا»⁽¹⁴⁶⁾ پنجم: آخرین

نشانه آنها، ظاهر آراسته و نورانی ایشان است؟ نشانه آن در صورتشان از سجده نمایان است سیماهم فی وجوههم من اثر السجود.

بالاخره این سجده طولانی و رکوع مداوم در حال نماز از امتیازات برجسته صحابه رسول الله ﷺ است.

سجده طولانی بهاء بهشت

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: جاء رجل الى النبي فقال علمني عملا يحبني الله و يحبني المخلوقون و يثري مالي و يصح بدني و يطول عمري و يحشرنى الله معك قال هذه ست خصال تحتاج الى ست خصال اذا اردت ان يحبك الله فخفه و اتقه و اذا اردت ان يحبك المخلوقون فاحسن اليهم و ارفض ما فى ايديهم ⁽¹⁴⁷⁾ و اذا اردت ان يثري الله مالك فزكه و اذا اردت ان يصح الله بدنك فاكثر من الصدقه ⁽¹⁴⁸⁾ و اذا اردت ان يطيل الله عمرك فصل ذوى ارحامك و اذا اردت ان يحشرك الله معى فاطل السجود بين يدي الله الواحد القهار. ⁽¹⁴⁹⁾

مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده گفت مرا دستوری بیاموز که خدا دوستم بدارد و مردم نیز دوستم بدارند مالم زیاد شود بدنم سالم باشد و عمرم طولانی گردد و خداوند مرا با شما محشور نماید فرمود این شش امتیاز است که احتیاج به شش کار دارد.

اگر بخواهی خدا دوستت بدارد از او بترس و پرهیزکار باش اگر بخواهی مردم دوستت داشته باشند به آنها نیکی کن و چشم طمع از دارایی آنها پیوش اگر جویای ثروت باشی زکات بده و اگر مایلی بدنی سالم داشته باشی صدقه بده (در روایت اثنی عشریه است روزه بدار تا بدنت سالم بماند) عمر طولانی بخواهی باید صلّه رحم کنی اگر بخواهی خدا تو را با من محشور نماید باید سجده ات را طولانی کنی در پیشگاه پروردگار قهار.

این روایت از امام صادق علیه السلام اهمیت سجده طولانی را مسلم می کند قال
اقرء من تری انه یطیعنی و یاخذ بقولی منهم السلام و اوصهم بتقوی الله و الورع
فی دینهم و الاجتهاد لله و صدق الحدیث و اداء الامانه و طول السجود و حسن
الجوار فبهذا جاء محمد صلی الله علیه و آله.

فرمود سلام مرا به کسانی که مطیع من اند و حرف مرا می پذیرند برسان و
آنها را سفارش کن به تقوا و ورع در دین و کوشش در راه خدا و راستگویی و
ادای امانت و سجده طولانی و رفتار خوب با همسایه. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این
مسائل را برای مردم آورده است.

سجده های زین العابدین علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم زین العابدین علیه السلام در موضع سجده اش آثاری از
برآمدگی داشت که در هر سال دو مرتبه آن را با قیچی می چید در هر مرتبه
پنج جا را می چید به همین جهت مشهور به «ذوالثفتان» شد «ثفنه» سختی و
برآمدگی زانوهای شتر است که از نشستن بر زمین پیدا می شود. (150)
از آن جمله غلامی نقل کرد که حضرت زین العابدین علیه السلام از منزل خارج شد
من از پی ایشان رفتم دیدم سر بر روی سنگ ناهمواری نهاده شمردم هزار مرتبه
این ذکر را گفت لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیه و رقا لا اله الا الله
ایمانا و تصدیقا بعد سر از سجده برداشت.

سجده های طولانی از امام صادق علیه السلام

منصور صیقل گفت عازم مکه معظمه شدم، گذرم از مدینه افتاد، رفتم به
زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و آله سلام کردم ناگاه متوجه شدم امام صادق علیه السلام در
حال سجده است. مدتها نشستم (تا سر از سجده بردارد بر نداشت) خسته شدم،
بعد با خود تصمیم گرفتم تا وقتی امام در سجده است مشغول تسبیح شوم شروع

کردم به گفتن سبحان ربی العظیم و بحمدہ استغفراللہ ربی و اتوب الیہ سیصد و شصت و چند مرتبہ این ذکر را گفتم بعد حضرت صادق علیہ السلام سر از سجده برداشت و از جا حرکت کرد و رفت و من از پی ایشان رفتم، ولی با خود می گفتم اگر اجازه ورود به خدمتش به من عنایت کند خواهم گفت آقا! شما اینطور سجده می کنید ما چه کنیم؟

وقتی رسیدم به در خانہ غلام، حضرت به نام مصادف خارج شدہ گفت منصور وارد شو! من وارد شدم قبل از اینکہ چیزی بگویم فرمود: یا منصور! ان اکثرتم او اقللتم فواللہ ما یقبل الا منکم اگر زیاد عمل کنید یا کم، بہ خدا سوگند جز از شما از دیگری قبول نخواہد شد.

سجده دیگری از امام صادق علیہ السلام

عبدالحمیدبن ابی العلاء می گوید وارد مسجد الحرام شدم غلام امام صادق را مشاہدہ کردم، بہ او نزدیک شدم تا از احوال امام صادق علیہ السلام جوہا شوم، اما متوجہ شدم کہ امام در سجده است مدتی انتظار کشیدم سر از سجده بردارد (فانتظرته طویلاً) ولی سر برداشت از جای حرکت کردم و بہ نماز مشغول شدم چند رکعت نماز خواندم باز دیدم در سجده است از غلام امام پرسیدم از چہ وقت ایشان در سجده است؟ گفت قبل از اینکہ تو اینجا بیایی.

صدای مرا شنید سر از سجده برداشت و فرمود ابا محمد! بیا اینجا جلو رفته سلام کردم ناگاہ صدای ہمہمہ از پشت سر خود شنیدم فرمود این سر و صدا چیست؟!

گفتم اینہا گروہی از مرجئہ و قدریہا و معتزلہ هستند ⁽¹⁵¹⁾ فرمود اینہا منظورشان ملاقات با من است حرکت کن برویم پیش آنها، در خدمت امام صادق علیہ السلام پیش آنها رفتیم آن جناب را مشاہدہ کردند از جایی حرکت

ایستادند فرمود مرا رها کنید و نیازارید و مورد خشم سلطان قرارم ندهید من پیشوای شما نیستم این سخن را فرمود و دست مرا گرفته از آنها جدا شدیم. همین که از مسجد خارج شدیم به من فرمود: یا ابا محمد! اگر شیطان به مقدار دنیا سجده می کرد بعد از آنکه تکبر ورزید از سجده کردن برای آدم که خدا دستور داده بود دیگر سودی برایش نداشت و این امت متمرّد که فریفته (دنیا شده اند) بعد از پیامبر اکرم ﷺ که امام خود را رها کردند، امامی که پیامبر، او را منصوب نموده بود. هرگز خداوند عملی را از آنها نمی پذیرد و حسنه ای از ایشان به آسمان نخواهد رفت مگر اینکه راهی که قرار داده وارد شوند و امامی را که دستور داده دوست بدارند و ولایتش را بپذیرند و از دری که او و پیامبرش گشوده وارد شوند.

یا ابا محمد! خداوند بر امت محمد ﷺ پنج واجب قرار داده نماز، زکاة، روزه، حج و ولایت ما. در چهار فریضه اول آزادیهای بی قرار داده (مثلاً نماز در سفر قصر می شود و خانم ها در ایام عادت ترک می کنند) بسیاری از مردم مشمول پرداخت زکاة نیستند یا استطاعت حج ندارند و به واسطه بیماری و سفر و... روزه نمی گیرند.

و لم یرخص لاحد من المسلمین فی ترک و لا یتنا لا و الله ما فیها رخصه هیچ کس اجازه ترک ولایت ما را ندارند نه به خدا هرگز چنین اجازه ای در ولایت نیست. (152)

سجده طولانی حضرت رضا علیه السلام

در خبر رجاء بن ابی ضحاک (که مأمور آوردن حضرت رضا علیه السلام از مدینه به مرو بود) چنین می گوید: حضرت رضا علیه السلام بعد از فراغ از تعقیب نماز ظهر سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه شکر الله می گفت بعد از پایان تعقیبات

نماز عصر سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه می گفت «حمدالله» و بعد از تعقیب نماز مغرب و نماز عشاء به سجده می رفت. صبحگاه که نماز صبح را می خواند بعد از سلام نماز می نشست و مشغول تسبیح و تمحید و تکبیر و تهلیل بود و صلوات می فرستاد بر پیامبر تا آفتاب طلوع کند ثم یسجد سجدة بیقی فیها حتی یتعالی النهار بعد سر به سجده می گذاشت تا بالا آمدن آفتاب.

سجده های موسی بن جعفر علیه السلام

درباره سجده موسی بن جعفر علیه السلام روایات زیادی نقل شده که به ذکر بعضی از آنها می پردازیم.

در ارشاد مفید می نویسد: کان ابوالحسن موسی اعبدا اهل زمانه... ای قوله و روی انه کان یصلی نوافل اللیل و یصلها لصلاة الصبح ثم یعقب حتی تطلع الشمس و یخرسا ساجدا فلا یرفع راسه من الدعاء و التحمید حتی یقرب زوال الشمس.

(153)

نوافل شب را وصل به نماز صبح می کرد و به تعقیب نماز صبح تا طلوع آفتاب می نشست بعد به سجده می رفت و سر بر نمی داشت تا نزدیک ظهر. عن حسن بن فضال قال رایت ابا الحسن صلی ست رکعات اوثمان رکعات و کان مقدار رکوعه و سجوده ثلاث تسبیحات او اکثر فلما فرغ سجد سجدة اطال فیها حتی بل عرقه الحصاص.

حسن بن فضال گفت موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم پس از شش یا هشت رکعت نماز که رکوع و سجده را بمقدار سه تسبیح طول می داد و پس از فراغت از نماز به سجده می رفت و آن قدر طول می کشید که از عرق صورتش ریگهاتر می شد.

دیگر از سجده های موسی بن جعفر علیه السلام : محمد بن سلیمان از پدرش نقل می کند در خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رفتیم به یکی از باغهایش برای

نماز ظهر بپا ایستاد پس از خواندن نماز به سجده افتاد شنیدم با اشک جاری و ناله جانسوز می گفت: رب عصینک بلسانی و لو شئت و عزتک لا خرسنتی و عصیتک ببصری و لو شئت و عزتک لا کمهنتی و عصیتک بسمعی و لو شئت و عزتک لا صممتنی و عصیتک بیدی و لو شئت و عزتک لکنعتنی و عصیتک یرجلی ولو شئت و عزتک لخدمتنی و عصیتک بفرجی ولو شئت و عزتک لعقمتنی و عصیتک بجمیع جوارحی التی انعمت علی و لیس هذا جزاءک منی. (154)

گفت بعد شمردم هزار مرتبه گفت (العفو العفو) بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاد با ناله ای جانسوز گفت بؤت بذنبی عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفرلی فانه لا یغفر الذنوب غیرک یا مولای این ذکر را سه مرتبه گفت سپس گونه چپ را بر زمین نهاد و سه مرتبه گفت ارحم من اساء و اقرتف و استکان و اعترف. (155)

ذکر این نکته لازم است که گناهی که (ائمہ علیہ السلام) بخود نسبت می دهند. به واسطه کمالاتی است که داشته اند و ترک مستحب را گناه نسبت به خود نمی دانستند.

(حسنات الابرار سیئات المقربین) و الاشکی در عصمت ائمه نیست.

چند نمونه از سجده های طولانی اصحاب ائمه علیهم السلام

فضل بن شاذان گفت وارد عراق شدم شخصی را مشاهده کردم که رفیقش را سرزنش می کرد می گفت تو مرد عیالواری هستی، باید دنبال نان برای آنها بروی ضمناً ممکن است چشمهایت کور شود با این سجده طولانی که داری وقتی سرزنش را زیاد نمود. رفیقش جواب داد دیگر زیاد سرزنش کردی اگر بنا بود کسی از سجده طولانی کور شود باید ابن ابی عمیر کور می شد چه خیال

می کنی در مورد کسی که سجده شکر را بعد از نماز صبح چنان ادامه می داد که سر بر نمی داشت تا نزدیک ظهر. (156)

علی بن مهزیار

وی پیوسته پس از طلوع آفتاب سر به سجده می گذاشت و سر بر نمی داشت تا برای برادران خود دعا می کرد همان دعاهایی که برای خود کرده بود.

سجده حسن بن فضال: فضل بن شاذان می گوید در یکی از مساجد پیش بعضی از قراء درس می خواندم در آنجا قومی دیدم که با هم سخن می گفتند یکی از آنها گفت در کوره مردی است که او را ابن فضال می گویند او عابدترین فردی است که ما دیده ایم. به صحرا می رود و به سجده می افتد مرغهای صحرا بر او جمع می شوند او چنان از خود محو شده بر زمین می افتد؟ که خیال می کنند یک جامه و یا پارچه است وحشیان صحرا نزدیک او به چرا مشغول می شوند و از او نمی رمند بواسطه انسی که به او گرفته اند.

فضل بن شاذان می گوید از آن سخن گمان کردم این شخص که از او صحبت می کنند مردی است که در زمان گذشته زندگی می کرده اما از این صحبتها چیزی نگذشته بود که پیرمردی خوش صورت و زیبا اندام که جامعه معروف به نرسی و ردای نرسی دربر و کفش سبز در پا داشت از در وارد شد و به پدر من سلام کرد من در خدمت پدرم بودم به واسطه احترام پدرم از جا حرکت نکرد و او را جای داد و گرامی داشت.

پیرمرد پس از لحظه ای برخاست و رفت از پدرم پرسیدم این پیرمرد که بود؟ گفت: این حسن بن علی بن فضال است گفتم: آن عابد مشهور. گفت: همان است من آنچه از اهل مسجد درباره حسن شنیده بودم به پدرم عرض کردم پدرم گفت آنچه شنیده ای از اهل مسجد است و این همان است.

میرزا جواد آقا ملکی حاشیه ای بر ترجمه فارسی عروۃ الوثقی (که نامش غایة القصوی است) نوشته گرچه چاپ نشده اما این حاشیه دست نویس بر بعضی نسخه ها به صورت دستنویس موجود است در بحث سجده نماز (آن جا که در متن عروۃ آمده است جایز است در قنوت و غیر قنوت از احوال نماز دعا کردن به زبان فارسی...)

ایشان در حاشیه نوشته اند «اگر چه شعر فارسی باشد مثلاً در سجده بگوید: مالم به خاک روی مذلت به این شاید که دوست رابه ضراعت رضا کنم⁽¹⁵⁷⁾ خداوند عزیز را سپاس گذارم که توفیق این مجموعه را به این ناچیز عنایت کرد و امید قبول ائمه دین علیهم السلام و دعای دوستانش را دارم.

التماس دعا

موسی خسروی

14 رمضان 74

پی نوشت ها :

- 1- بحارالانوار ج 87 ص 120.
- 2- بحارالانوار ج 87 ص 156.
- 3- نوف خدمتکار علی عليه السلام.
- 4- سفینه البحار الانوار ج 1 ص 95 لفظ بکی.
- 5- بحارالانوار ج 87 ص 123.
- 6- بحارالانوار ج 87 ص 144.
- 7- بحارالانوار ج 87 ص 137.
- 8- بحارالانوار ج 87 ص 138.
- 9- بحارالانوار ج 87 ص 137.
- 10- بحارالانوار ج 87 ص 138.
- 11- بحارالانوار ج 87 ص 141.
- 12- بحارالانوار ج 87 ص 137.
- 13- امالی صدوق ص 214.
- 14- امالی صدوق ص 257.
- 15- بحارالانوار ج 87 ص 152.
- 16- بحارالانوار ج 87 ص 152.
- 17- بحارالانوار ج 87 ص 122 از لفظ امر و دستور در قرآن استفاده وجوب می شود.
- 18- با استفاده از تفسیر نمونه ج 12 ص 227 و جلد 15 ص 173.
- 19- تفسیر نمونه جلد 22 ص 326 تا 337.
- 20- بحارالانوار ج 87 ص 143.
- 21- امالی صدوق ص 42.
- 22- بحارالانوار ج 60 ص 871.
- 23- ارشاد القلوب ص 316 به نقل بحار ج 87 ص 161.
- 24- بحارالانوار ج 87 ص 14.
- 25- بحارالانوار ج 87 ص 14.

- 26- بیچارالانوار ج 87 ص 140. آیه در سوره سجده شماره 16.
- 27- بیچارالانوار ج 87 ص 140. آیه در سوره سجده شماره 16.
- 28- بیچارالانوار ج 87 ص 14.
- 29- بیچارالانوار ج 87 ص 14.
- 30- بیچارالانوار ج 87 ص 146.
- 31- بیچارالانوار ج 87 ص 159.
- 32- بیچارالانوار ج 87 ص 148.
- 33- بیچارالانوار ج 87 ص 148.
- 34- ثواب الاعمال ص 38 و 39.
- 35- ثواب الاعمال ص 38 و 39.
- 36- تفسیر نمونه ج 12 ص 228.
- 37- بیچارالانوار ج 19 ص 66
- 38- سوره سجده آیه 16 شرح جریان از رباحین الشریعه ج 1 ص 153 به نقل از آداب زندگی ج 1 ص 410 نوشته موسی خسروی
- 39- آن آداب را در درس چهاردهم آداب زندگی می توانید مطالعه کنید.
- 40- سیمای فرزندگان ص 218
- 41- تفسیر صافی ذیل سوره طه
- 42- در امتناع الاسماع سوره کهف مینویسد
- 43- بیچارالانوار ج 20 ص 177
- 44- قصص العلماء ص 173
- 45- نقل از کتاب قصص و خواطر ص 514
- 46- بیچارالانوار ج 87 ص 158 و 159
- 47- روضات الجنات ص 591
- خدایا! مصیبت بنده بیچاره ات زیاد شد که او را خواب از مهر و کابین حورالعین بازداشت اولیای خدا در تاریکی های شب با تهجد و خشوع و ناله و زاری بهره ها برده اند. مرا از در خانه ات راندی و آنها را راه دادی! آیا بواسطه اعمال ناشایستم از آنها عقب مانده آنها گناه نکرده بودند یا گناه داشتند اما تو ایشان را آمرزیدی ولی مرا نیامرزیدی؟ اگر گناه کاران راهی به عفو تو نداشته باشند پس حسن ظن ما به کجا می رود؟!

- 48- نجم الثاقب 342
- 49- کتاب منتقم حقیقی ص 371 به نقل پنجاه داستان رجالی
- 50- کتاب قصص و خواطر ص 258 شماره 198
- 51- قصص و خواطر ص 257
- 52- نقل از قصص و خواطر ص 88
- 53- سیمای فرزندگان ص 220 نقل از فرازهای از ابعاد...
- 54- قصص و خواطر ص 168 به نقل از قصص العلما ص 137
- 55- مهر تابان ص 16
- 56- قصص و خواطر ص 496
- 57- قصص و خواطر ص 754
- 58- قصص و خواطر ص 397
- 59- قصص و خواطر ص 342
- 60- اسرار الصلوه ص 293 به نقل از سیمای فرزندگان ص 214
- 61- سیمای فرزندگان به نقل کتاب «رساله لقاء الله» ص 222 آیات 190 تا 194 سوره آل عمران است.
- 62- سیمای فرزندگان ص 222
- 63- قصص العلماء ص 193
- 64- قصص العلماء ص 158
- 65- یاد نامه شهید آیه الله قدوسی (ایشان متصدی مدرسه حقانی قم بود.
- 66- سیمای فرزندگان ص 60
- 67- کتاب سیمای فرزندگان ص 64 - 67. صاحب کتاب احتمال می دهد این شخص خودش باشد که از بیم توهم خودستایی با این عبارت بیان می کند.
- 68- کتاب سیمای فرزندگان ص 64 - 67. صاحب کتاب احتمال می دهد این شخص خودش باشد که از بیم توهم خودستایی با این عبارت بیان می کند.
- 69- بحارالانوار ج 87 ص 227
- 70- تهذیب ج 1 ص 231
- 71- سوره آل عمران 194 الی 190

72- ج 3 کافی ص 435

73- معنی تهجد همین است که انسان شب را به خواب و بیداری و خواب بسر می برد چنانکه رسول الله ﷺ انجام می داد تهجد یعنی بیدار و خوابی.

74- آخرین آیه سوره کهف آیه 110

75- این دعا در روایتی از امیر المومنین عليه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اگر بخواهی هر موقع شب برای شب زنده داری بیدار شوی آن را بخوان و بگو خدایا اقوم ان شاء الله ساعة كذا و كذا خدایا فلان ساعت بیدار شوم خداوند ملکی را موکل می کند همان ساعت بیدارت کند کتاب راز شبانه ص 110، اما در کتاب راز شبانه دعا تومنی مکرک است یعنی (لا) ندارد ظاهرا با «لا» درست باشد.

76- بحارالانوار ج 87 ص 173 از قصص و خواطر ص 388

77- ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلوة الليل و ان العمل السی اسرع فی صاحیه من السکین فی اللحم، گاهی شخص گناه می کند و از نماز شب محروم می گردد و کار بد سریع تر اثر می گذارد از کار بد بر روی گوشت.

78- بحارالانوار ج 14 ص 172

79- کنیه شیطان است.

80- مستدرک سفینه لفظ بطن

81- مستدرک سفینه لفظ جوع

82- همان مستدرک سفینه ج 2 لفظ جوع

83- همان مستدرک سفینه ج 2 لفظ جوع

84- این قسمتها را از منتخب حسنی ص 90 به بعد بجویید.

85- منتخب حسنی ص 90

86- بحارالانوار ج 87 ص 154 روایت شماره 4

87- بحارالانوار ج 87 ص 338

88- بحارالانوار ج 87 ص 151، این استغفارها با قید شماره در ص 326 ج 87 بحارالانوار

ذکر شده بسیار مفصل و پرمحتوی به آنجا مراجعه شود.

89- آیه در سوره آل عمران آیه 15 روایت از تفسیر نمونه ج 2 ص 345

90- بحارالانوار ج 87 ص 287

91- لثالی الاخبار

- 92- راز شبانه ص 130
- 93- بحارالانوار ج 87 ص 257
- 94- بحارالانوار ج 87 ص 257
- 95- بحارالانوار ج 87 ص 27
- 96- فرق بین تطوع و نافله این است که نافله نمازهایی بود که بر انبیاء واجب بوده و برای ما مستحب که تطوع نامیده شده در ج 87 بحار ص 28
- 97- نهج البلاغه حکم شماره 312
- 98- سفینه البحار لفظ نوم.
- 99- نهج البلاغه از رسائل شماره 61
- 100- وسایل الشیعه ج 1 ص 1 باب تقدم
- 101- شاید منظور این باشد که وقتی انسان عملی را در طول سال انجام داد عامل آن عمل به حساب می آید مثلا نماز شب یا زیارت عاشورا هر روز خواندن.
- 102- بحارالانوار ج 87 ص 37 روایت شماره 25
- 103- بحارالانوار محاسن برقی ص 291 به نقل ج 87 ص 31
- 104- در تشریح این جملات علامه مجلسی اعلی الله مقامه سه توجیه نموده اول می نویسد: بواسطه تخلق با خلاق الله و کمال محبتی که به خدا دارد خواست و شهوت خود را کنار گذاشته نمی بیند مگر چیزی را که خدا دوست دارد و دست نمی گشاید مگر به چیزی که او را به خدا نزدیک کند.
- دوم: معنی جمله این است که خداوند از گوش چشم و زبان و دست و پا برایش محبوبتر است این اعضا و جوارح را صرف ر راه رضای او می کند منظور از اینکه گوش او است یعنی در محبت چنان است که از گوش و چشم، خدا ارزش بیشتری برایش دارد.
- سوم: من نور چشم و قدرت شنیدن و نیروی گرفتن و زبان گفتن اویم.
- 105- نهج البلاغه حکم شماره 312
- 106- کافی ج 2 ص 70
- 107- پند تاریخ ج 3 ص 218 به نقل از وسائل باب امر به معروف و نهی از منکر
- 108- بحارالانوار ج 87 ص 46
- 109- بحارالانوار ج 85 ص 264
- 110- سوره یوسف آیه 101

- 111- مستدرک سفینه ج 4 ص 218 و 219
- 112- مستدرک سفینه ج 4 ص 218 و 219
- 113- بحارالانوار ج 86 ص 203
- 114- بحارالانوار ج 86 ص 216
- 115- بحارالانوار ج 86 ص 199 در روایت ص 200 می نویسد حضرت موسی پس از آن بعد از هر نماز صورت بر زمین می سایید و دو گونه راست و چپ را به سجده می نهاد.
- 116- کتاب سیمای فرزندگان ج 3 ص 234 نقل از اسرار الصلوة ص 271 و مراقبات 123
- 117- مجله حوزه 66/4 - به نقل کتاب سیمای فرزندگان ص 238
- 118- بحارالانوار ج 86 ص 217
- 119- سوره انبیاء آیه 88 - 87 تفسیر نمونه ج 13 ص 488
- 120- از تفسیر در المنثور مطابق نقل المیزان ذیل آیه
- 121- بحارالانوار ج 86 ص 197 و 198
- 122- بحارالانوار ج 86 ص 197 و 198
- 123- بحارالانوار ج 86 ص 201
- 124- بحارالانوار ج 86 ص 201
- 125- بحارالانوار ج 86 ص 207
- 126- بحارالانوار ج 86 ص 206 و 207
- 127- بحارالانوار ج 86 ص 206 و 207
- 128- بحارالانوار ج 86 ص 227
- 129- بحارالانوار ج 86 ص 207
- 130- بحارالانوار ج 86 بحر ص 205
- 131- بحارالانوار ج 86 ص 210 ضمنا باید توجه داشت در هر سه مورد بجای کذا و کذا حاجت خود را به مناسبت دعا می خواهد.
- 132- بحارالانوار ج 86 ص 264
- 133- بحارالانوار ج 86 بحر ص 219
- 134- مستدرک سفینه ج 4 بحر ص 420
- 135- بحارالانوار ج 86 ص 239
- 136- کمال الدین ج 2 ص 471 به نقل بحار ج 86 ص 202

- 137- بحارالانوار ج 86 ص 228
- 138- کافی ج 3 ص 327
- 139- کافی ج 3 ص 327
- 140- بحارالانوار ج 46 بحار ص 301
- 141- بحارالانوار ج 86 بحار ص 218
- 142- سوره یوسف آیه 101
- 143- بحارالانوار ج 86 ص 223 این دعا عینا از نظر معنی مشابه دعای صنمی قریش است که قبلا اشاره به آن شد و در ج 72 بحارالانوار ص 160 نقل شده که مجلسی (ره) توضیح می دهد نام اباجهل و ولید از تقیه است.
- 144- بحارالانوار ج 85 بحار ص 168
- 145- سوره فتح آیه 29
- 146- علامه مجلسی اعلی الله مقامه در ذیل آیه می نویسد: از این آیه استفاده می شود اگر به نیت عبادت طلب روزی و حاجات دنیوی هم ضمیمه شود به اخلاص ضرری نمی رساند زیادی رکوع و سجود موجب این موهبت و رضوان خدا است ج 85 ص 160
- 147- در روایت دیگری است فاقطع عما فی ایدیهم
- 148- در اینجا عشریه است فصم یعنی برای صحت و سلامتی روزه بدار.
- 149- بحارالانوار ج 85 ص 166
- 150- همان
- 151- قدریها گروهی هستند که تمام کارهای خوب و بد را به تقدیر خدا می دانند پیامبر اکرم فرموده است :

القدریه مجوس هذه الامه و در جای دیگر فرموده است القدریه خصماء الله فی قدریها دشمن خدایند در تقدیر معتزله که یکی آنها واصل ایت عطاء بود از حسن بصری کناره گرفت زیرا در جلسه ای از حسن بصری شخصی سوال کرد: در زمان ما گروهی اصحاب کبائر را کافر می دانند که مرتکب گناه کبیره شده کافر است و گروهی نیز در مقابل آنها بنام مرجئه هستند که می گویند هیچ گناهی به ایمان ضرر نمی رساند چون ایمان فقط اعتقاد است (آنها می گویند اگر کسی ایمان داشته باشد هر عملی که انجام دهد گرچه با مادر خود زنا کند یا کعبه را هدم نماید ایمان جبرئیل و میکائیلی را دارد.)

اما نظر شما چیست اصل بن عطا از شاگردان حسن بصری بود تکیه به ستون مسجد داده بود گفت ما او را نه کافر می دانیم و نه مومن نازل بین المنزلتین است اگر بدون توبه رفت کافر است و اگر توبه کرد مومن حسن بصری گفت واصل از ما جدا. بهمین جهت معتزله نام گرفتند نقل از ملل و نحل شهرستانی ص 43 مرجه به معنی تاءخیر انداختن است زیر آنها اصل، ایمان را می دانند عمل را بعد از ایمان می دانند لذا با ایمان هیچ عمل را مخالف نمی دانند نقل ملل و نحل ص 139 ج 1.

152- فروع کافی ج 8 ص 270

153- بحارالانوار ج 86 ص 230

154- ترجمه دعا پروردگارا با زبانم معصیت تو را کردم به عزتت قسم می توانستی آن را گنگ کنی و با چشمم تو را معصیت کردم اگر می خواستی مرا کور می کردی و با گوش خود تو را معصیت کردم به عزتت قسم اگر می خواستی مرا کر می کردی با دست خود تو را معصیت کردم اگر می خواستی به عزتت دستم را شل می کردی و با پایم تو را معصیت کردم به عزتت قسم اگر می خواستی قطع می کردی آن را با قدرت جنسی خود تو را معصیت کردم اگر می خواستی مرا عقیم و ناتوان جنسی می کردی با تمام جوارح خود تو را معصیت کردم کمه به من ارزای داشته بودی این پاداشی نبود که من باید به تو می دادم

155- کافی ج 3 ص 326.

156- مستدرک وسائل ج 5 ص 129

157- ضراعت: نضرع و زاری کردن نقل سیمای فرزندگان ص 69

فهرست مطالب

بخش اول : اهمیت شب زنده داری و نافله شب	3
اهمیت نماز شب از دیدگاه قرآن	13
بخش دوم : شب زنده داران در تاریخ	25
اینک به سراغ دختر ارجمندش زینب کبری برویم	26
نگهبان سپاه فرصت می جوید و به نماز شب می پردازد	27
شرط تحصیل به نظر علامه بحرالعلوم	29
سفارش امام زمان <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	32
سفارش دیگری درباره نماز شب	34
اهتمام به نماز شب از آیه الله شهاب الدین مرعشی	36
سرمایه شب زنده داری رقت قلب است	37
گریه بی سابقه در شب زنده داری	39
شهید قدوسی و اهمیت به نماز شب	45
بخش سوم : کیفیت شب زنده داری و نافله شب	49
دعائی مجرب برای بیدار شدن به موقع برای نماز شب	52
دعا در دل شب	62
بخش چهارم : علت تشریح نوافل و اهمیت آن	68
اهمیت نوافل چیست و دلیل تشریح آنها کدامست؟	68
بخش پنجم : سجده شکر	78
اثر سجده طولانی	80
سجده طولانی بهاء بهشت	94

95.....	سجده های زین العابدین <small>علیه السلام</small>
95.....	سجده های طولانی از امام صادق <small>علیه السلام</small>
96.....	سجده دیگری از امام صادق <small>علیه السلام</small>
97.....	سجده طولانی حضرت رضا <small>علیه السلام</small>
98.....	سجده های موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
99.....	چند نمونه از سجده های طولانی اصحاب ائمه <small>علیهم السلام</small>
100.....	علی بن مهزیار
102.....	پی نوشت ها :
110.....	فهرست مطالب